

دفترچه شماره ۱

آزمون شماره ۲۰

جمعه ۱۴۰۱/۰۱/۱۹



# آزمون‌های سراسر کنکور

گزینه درستی را انتخاب کنید.

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

## آزمون عمومی

پایه دوازدهم ریاضی، تجربی و منحصراً زبان

دوره دوم متوسطه

شماره داوطلبی:	نام و نام خانوادگی:
مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه	تعداد سؤالاتی که باید پاسخ دهید: ۱۰۰

عناوین مواد امتحانی آزمون عمومی گروه‌های آزمایشی علوم ریاضی، علوم تجربی و منحصراً زبان، تعداد سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	شماره سؤال		مدت پاسخگویی
			از	تا	
۱	فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	دین و زندگی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه



۱- در معنی چند واژه غلط وجود دارد؟

- (الف) گزند: اسبی که رنگ آن میان زرد و بور باشد.  
 (ب) مغان: در ادبیات عرفانی به سالکان راه عشق می‌گویند.  
 (ج) طاق ضربی: طاق احداث شده بین دهانه دو تیر آهن  
 (د) استبعاد داشتن: بعید و دور بودن از تحقق و وقوع امری  
 (ه) غایت‌القصوی: حدّ نهایی چیزی، کمال مطلوب  
 (و) غاشبیه: یکی از نام‌های قیامت، برآمدن از خاک

۱ (۴) ۲ (۳) ۳ (۲) ۴ (۱)

۲- معنی چند واژه در مقابل آن نادرست آمده است؟

- «دمساز: درد آشنا / (حریف: دوست) / (ایدون: این جا) / (مستور: پنهان) / (ظن: پندار) / (سور: طعام جشن) / (تاب: پرتو) / (تریاق: زهر) /  
 (بدحالان: کسانی که سیر و سلوک آن‌ها به سوی حق، تند است.) / (دستور: اجازه) / (مستمع: گوش‌دارنده) / (شیون: ناله و ماتم)»

۱ (۵) ۲ (۳) ۳ (۲) ۴ (۱)

۳- در کدام گزینه، معنی همه واژه‌ها درست است؟

- (۱) نشئه: کیفوری / مباهات: افتخارات / قدس: قداست / جلیبه: زینت  
 (۲) بن: پسته وحشی / انگاره: نقشه / نمط: بساط شطرنج / طبلسان: نوعی ردا  
 (۳) صباح: زیبایی / گرز: ویژگی نوعی مار سمی و خطرناک / ارغند: خشمگین و قهرآلود / آویخته  
 (۴) سلسله‌جنبان: محرک / سموم: باد بسیار سرد و زیان‌رساننده / شبهه: همسان / پویدن: رفتن

۴- در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

- (۱) و نیز منزلتی نو نمی‌جویم و در طلب زیادتی قدم نمی‌گذارم که به حرص و گرم‌شکمی منسوب شوم.  
 (۲) وان‌گاه بر کران چشمه‌ای رفت که در او گوکان بسیار بودند و ملک کامگار و متاع داشتند.  
 (۳) ایشان را چهار طمع به خلق نباشد، طمع مال و طمع جاه و طمع ثنا و متابعت مسلسل باشد با حضرت مصطفی (ص).  
 (۴) الهی ما را در کنج عزلت گوشه‌ای ده و از خوان قناعت توشه شکیبی عنایت نما که به فریب عشوه دنیا از راه رخ نتابیم.

۵- در متن زیر، چند غلط املایی وجود دارد؟

- « هر کجا سختی‌کشیده‌ای تلخی‌دیده‌ای را بینی، خود را ز ولع در کارهای مخوف اندازد و از طوابع آن نپرهیزد و از عقوبت ایزد نهراسد و حلال از حرام نشناسد.

سگی را گر کلوخی بر سر آید / ز شادی برجهد کاین استخوانی است  
 وگر نعشی دو کس بر دوش گیرند / لئیم الطبع پندارد که خانی است

- اما صاحب دنیا به عین عنایت حق، ملحوظ است و به حلال از حرام، محفوظ. من همانا که تقریر این سخن نکردم و برهان و بیان نیاوردم، انصاف از تو توقع دارم.»

۱ (۱) ۲ (۲) ۳ (۳) ۴ (۴)



۶- در چند بیت غلط املائی وجود دارد؟

- (الف) گر از حزمش قضا سدی کشیدی بر جهان، شامل  
(ب) در سرای دوستی آن به که فرشی افکنم  
(ج) زندگی نذر فنا کن از تلاش آسوده باش  
(د) گر خاص قرب حق نشوم واثقم بدانک
- ۴ (۱) ۳ (۲) ۲ (۳) ۱ (۴)

۷- به ترتیب ابیات کدام گزینه می‌توانند نخستین بیت از اشعاری باشند که در قالب «دماوندیه» بهار و «مست و هشیار» پروین اعتصامی سروده شده‌اند؟

- (۱) کرده‌است هزار مشکل، آسان  
رو یار خویش باش و مجو یاری از کسی  
(۲) روح مانی عندلیب گلشن تصویر اوست  
نی نی چو شکر هست شکایت چرا کنم؟  
(۳) ای نهاده پای همت بر سر اوج سما  
در آن زمان که کن تیغ با کف تو وصال  
(۴) شکر خدا را که یک توچه اقبال  
دست از آن ماست گر دست فلک بالاتر است
- ۸- آرایه‌های مقابل همه ابیات درست است؛ به جز .....

- (۱) خسرو شیرین خوبان جهان، یار من است  
(۲) دیده تا دیده جمالش در خیالش روز و شب  
(۳) مهر رویش در دل ما هم‌چو روحی در تنی  
(۴) دیده تر دامنم تا می‌زند نقشی بر آب
- فارغ است از حال فرهاد غریب غم‌خوری: ایهام تناسب - جناس ناقص  
بی سروپا سوبه‌سو گردیده در هر کشوری: کنایه - جناس تام  
عشق او در جان ما چو آتشی در مجمری: تشبیه - ایهام  
در نظر دارد خیال عارض خوش‌منظری: استعاره - کنایه

۹- اگر بخواهیم ابیات زیر را به ترتیب داشتن آرایه‌های «پارادوکس - اسلوب معادله - تشخیص - تشبیه - مجاز» مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟

- (الف) سفله چون شد مست، در بیداد طوفان می‌کند  
(ب) در باغ روزگار ندیده است هیچ‌کس  
(ج) کشت از دزدیده‌دیدن‌ها نگاهش عالمی  
(د) ای زلف و خط و خال تو از هم کشنده‌تر  
(ه) رخنه در دل‌ها نه تنها می‌کند مژگان تو  
(و) عاشق کسی بود که چو بی‌اختیار شد
- می‌شود از آب، تیغ بدگهر خون‌ریزتر  
یک شاخ میوه‌دار ز من سرفکنده‌تر  
تیغ خوبان است در زیر سپر خون‌ریزتر  
مژگان ز چشم و چشم ز ابرو زنده‌تر  
کز تو هر مویی بود از نیشتر خون‌ریزتر  
دارد عنان شرم و ادب را کشیده‌تر

- (۱) ج - د - ب - ه - الف  
(۲) و - ب - د - ج - الف  
(۳) و - الف - د - ه - ج  
(۴) د - ج - و - الف - ه



- ۱۰- آرایهٔ مقابل چند بیت درست است؟
- الف) گلشن طبع من آراسته از لاله و نسرين  
ب) سپر صلح و صفا دارم و شمشیر محبت  
ج) روز روشن به خود از عشق تو کردم چو شب تار  
د) نسخهٔ شعر تر آرم به شفاخانهٔ لعلت  
ه) گفتمش نیشکر شعر از آن پرورم از اشک
- ۱) پنج ۲) چهار ۳) سه ۴) دو
- ۱۱- همهٔ آرایه‌های کدام گزیننه، در بیت زیر به کار رفته است؟
- «دور از رخت چو خواجه دورم ز صبر و طاقت  
ایهام - ایهام تناسب - جناس تام - تشبیه  
ایهام تناسب - تناقض - مجاز - کنایه»
- ۱۲- در کدام بیت، نقش دستوری «واژهٔ پایانی» متفاوت است؟
- ۱) هر سؤالی کان ز دریا می‌کنم در باب موج  
۲) بر مه فکنده بُرقع شبرنگ روزپوش  
۳) در آرزوی روی تو «خواجه» چو بیدلان  
۴) در وفا چشم ندارم که ثبات باشد
- ۱۳- در کدام بیت، تعداد «وابستهٔ وابسته» بیشتر است؟
- ۱) بنمای رخ که در شب تاریک طره‌ات  
۲) دین می‌کنم فدای سر زلف کافرت  
۳) خاک آن بادم که از خاک درت بویی برد  
۴) گوییا دود کدامین دل آشفته مرا
- ۱۴- در ابیات زیر، کدام نوع جمله وجود ندارد؟
- «سرو بودی سرو اگر با مردمان گفتمی سخن  
گفتمش سرو روان و خواندمش ماه تمام»
- ۱) نهاد + مسند + فعل ۲) نهاد + متمم + مسند + فعل  
۳) نهاد + فعل ۴) نهاد + مفعول + مسند + فعل
- ۱۵- تعداد «حذف فعل به قرینهٔ معنوی» در کدام گزینه متفاوت است؟
- ۱) که گفت سعدی از آسیب عشق بگریزد  
۲) افسوس که در پای تو ای سرو روان  
۳) دعویت به ز معنی، معنیت به ز دعوی  
۴) ساقی جامی که عشرتم خام است
- ۱۶- در ابیات زیر، کدام نوع «وابستهٔ وابسته» وجود ندارد؟
- «به تاراج نگاه ناتوانش داده‌ام طاقت  
به زلفی بسته‌ام دل از مضامینم چه می‌پرسی»
- ۱) صفت مضاف‌الیه ۲) ممیز ۳) صفت صفت ۴) مضاف‌الیه مضاف‌الیه
- همه در حسرتم ای گل که به گلزار من آیی: تشخیص  
با تو آن پنجه نیبم که به پیکار من آیی: مجاز  
به امیدی که تو هم شمع شب تار من آیی: تناقض  
که به یک خنده دوی دل بیمار من آیی: حس آمیزی  
که تو ای طوطی خوش لهجه شکرخوار من آیی: حسن تعلیل
- لیکن به طاق ابرو از دلبران تو طاقی»  
۲) جناس ناقص - تشبیه - ایهام - حسن تعلیل  
۴) تکرار - جناس تام - استعاره - ایهام
- دیده می‌بینم که می‌گوید یکایک را جواب  
مه را که دید ساخته از تیره‌شب، نقاب؟  
هر شب به خون دیده کند آستین خضاب  
که توقع نتوان داشتن از عمر، ثبات
- دل گم شده است و راه به مهتاب می‌برد  
گر زلف کافر تو بدین سر درآورد  
گرد آن خاکم که باد از کوی مه‌رویی برد  
به کمند سر زلف تو گرفتار آورد؟
- ماه بودی ماه اگر چاه زنخدان داشتی  
سرو اگر بودی کمان‌کش ماه خفتان داشتی»
- به دوستی که غلط می‌برد گمان ای دوست  
سر می‌رود و بی تو به سر می‌نرود  
جان، روی در تو دارد که قبلهٔ دعایی  
مطرب چنگی که حالت‌م زار است
- هنوزم در کمین قامت پیری است ابرویش  
دو عالم معنی باریک، قربان سر مویش»



- ۱۷- مفهوم کدام گزینه با بیت «مستمع، صاحب سخن را بر سر کار آورد/ غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آورد» متناسب تر است؟
- (۱) من و ما هرچه باشد رغبتی و نفرتی دارد  
(۲) طوطی ز معنی سخن خویش، غافل است  
(۳) سینه صافان اهل معنی را به گفتار آورند  
(۴) نارساگر نبود مستمع صاحب هوش
- ۱۸- کدام گزینه با بیت زیر، ارتباط مفهومی ندارد؟
- «هیچ نقاشت نمی بیند که نقشی برکند»  
(۱) تا نگویی ساقیا، کز می چنین بی خود شدم  
(۲) نمی سازد متاع هوش با یوسف خربداران  
(۳) مدهوشی و مستی نه گناه دل زار است  
(۴) ای دریغاکز وصال یار، ما را رنگ نیست
- ۱۹- مفهوم کدام گزینه با بیت «دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی» متناسب است؟
- (۱) جگرگداز بود زردرویی مَنّت  
(۲) طبع ناقص را میر در امتحانگاه کمال  
(۳) رنگ زرد ما عیار قدرت عشق است و بس  
(۴) طلا ز صحبت اکسیر بی نیاز بود
- ۲۰- مفهوم کدام گزینه با عبارت زیر، متناسب است؟
- «به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پُر کنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم، بوی گُلَم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!»
- (۱) گوهریم اما ز پیچ و تاب دریا بی خبر  
(۲) از قضا بی خبری ورنه در این عرصه وهم  
(۳) هر که از عاقبت بی خبری، باخبر است  
(۴) زان لحظه که در گردن ما دست فکنده است
- ۲۱- مضمون کدام بیت با بیت «عشق چون آید، برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می کشد اول چراغ خانه را» تناسب بیشتری دارد؟
- (۱) نمی گردد حریف نفس سرکش، عقل دریادل  
(۲) چنین که عقل کشیده است زیر بند تو را  
(۳) ز قید نفس، تو را عقل می کند آزاد  
(۴) عشق آتش دست می بندد دهان عقل را
- ۲۲- مفهوم کدام گزینه با بیت «تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست» متناسب تر است؟
- (۱) آن خروش صور کز دورت به گوش افتاده است  
(۲) غافل از فهم زبان درد بودن شرط نیست  
(۳) مقتضای عجز، عجز است از فضولی شرم دار  
(۴) محرم اسرار خاموشان زبان و گوش نیست
- جهان، وعظ است لیکن گوش می باید نصیحت را  
هر کس سخنور است سخندان نمی شود  
طوطی از آیینۀ بی زنگ، گویایی گرفت  
کوتاهی زینت شایسته زلف سخن است
- و آن که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده ای  
داروی بیهوشی ام آن شکل و آن رفتار بود  
مَدَم افسون خودداری نگاه جلوه سودا را  
چون هوش ربای دل مدهوش، تویی تو  
دل ز دستم رفته و دلدارم اندر چنگ نیست
- خدا کند که مس ما به کیمیا نرسد  
کم عیاری چون محک خواهد طلا، مس می شود  
این طلا بی پرده دارد جوهر اکسیر را  
سعادت از لسی سایه هما چه کند؟
- جز به روی ما تحیر چشم ما نگشاده است  
سر فرمانبر تسلیم ندارد غم تیغ  
صائب از باد طربناک نگردهد هرگز  
بی خود ز خودیم و خبر از یار نداریم
- تا نفس باقیست ما را متصل باید شنید  
نالہ هم هرچند باشد دل گسل باید شنید  
هرچه گوید عشق در گوشت خجل باید شنید  
من شکست زنگم، آوازم ز دل باید شنید



۲۳- در همه ابیات کنایه‌ای با مفهوم «امر محال» آمده است، به جز ..... .

- |  |                                |
|--|--------------------------------|
| ۱) از کف دست اگر موی برون می‌آید       | می‌رسد دست به موی کمر یار، مرا |
| ۲) در شوره‌زار دانه اگر سبزی می‌شود    | از چرخ بخت اهل هنر سبزی می‌شود |
| ۳) روزی که برف سرخ بیارد ز آسمان       | بخت سیاه اهل هنر، سبزی می‌شود  |
| ۴) ز حالت مزه آن عقل، مات مانده که چون | یکی شراب خورد دیگری رود از هوش |

۲۴- مفهوم کدام گزینه با بیت زیر، متناسب‌تر است؟

«کلمات را کنار زنید و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید.»

- |   |                                       |
|---|---------------------------------------|
| ۱) معنی نازک نماید جلوه در دل‌های صاف   | می‌توان دیدن هلال عید را بهتر در آب   |
| ۲) لباس نارسای لفظ، معنی را کجا پوشد؟   | کف بی‌مغز باشد لفظ و بحر بیکران، معنی |
| ۳) غبار ما و من از صاف معنی غافلیم دارد | اگر زین جوش بنشینم شراب ناب می‌گردد   |
| ۴) شور دریای سخن از دل پر جوش من است    | قفل گنجینه معنی، لب خاموش من است      |

۲۵- کدام گزینه با بیت «در عشق کسی قدم نهد کیش جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست» تناسب مفهومی بیشتری دارد؟

- |   |  |
|---|--|
| ۱) میندیش از غم عالم چو با عشق، آشنا گشتی   | که آتش خود ز راه خود، خس و خاشاک برگیرد    |
| ۲) اسیر عشق را از عشق، آزادی نمی‌باشد       | چه امکان دارد از خود برگ نخل ایمن افشانند؟ |
| ۳) بستر و بالین چه می‌داند مریض عشق چیست    | چون سیواز دست خود بالین کند رنجور عشق      |
| ۴) طرف، عشق است غیر از ترک هستی نیست تدبیری | که شمشیر از حریف خود، سلامت برنمی‌دارد     |



### ■ عین الأنسب في الجواب للترجمة من أو إلى العربية (۳۵ - ۲۶):

۲۶- ﴿أ يحسب الإنسان إن يُترك سُدىً﴾

(۱) «آیا انسان پنداشته که تنها ترک می‌شود؟!»

(۳) «انسان چگونه می‌پندارد که بپوش و بیهوده رها می‌شود؟!»

(۲) «آیا آدمی گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟!»

(۴) «آیا انسان گمان کرده که بیهوده رهایش می‌کنند؟!»

۲۷- «هذه الكتابات و النقوش أفضل حجة تُبين لنا أنه لأولئك القوم كانت لخرافات ازدادت على مر العصور!»:

(۱) این نوشته‌ها و نقش و نگاره‌ها بهترین دلیلی‌اند که برای ما آشکار می‌کنند که آن قوم خرافاتی داشتند که در گذر زمان افزایش یافتند!

(۲) این کتاب‌ها و نوشته‌ها و نگاره‌ها برترین دلیل‌اند مبنی بر این‌که خرافات آن قوم در گذر زمان زیاد شده‌اند!

(۳) این کتاب‌ها و کنده‌کاری‌ها از بهترین دلایلی‌اند که برای ما تبیین می‌کنند که آن قوم را مراسمی خرافاتی بوده که در گذر زمان افزایش یافتند!

(۴) این نوشته‌ها و نگاره‌ها بهترین دلیل‌اند که ما تبیین کنیم که آن مردم خرافاتی دارند که در گذر زمان‌ها زیاد شدند!

۲۸- «سألني والدي متعجباً: لم لا تتذكر أنني التقت صوراً من مشاهد الحج التي يتجلى فيها اتحاد المسلمين!»:

(۱) متعجبانه از پدرم پرسیدم: برای چه به یاد نمی‌آوری که من عکس‌هایی را از صحنه‌های حج که در آن اتحاد مسلمین را جلوه‌گر می‌کند، گرفتم!

(۲) پدر من در حالی که متعجب بود از من پرسید: چرا یادت نیست که همانا من از صحنه‌های حجی که با آن یکپارچگی مسلمانان متجلی می‌شود، عکس‌هایی گرفتم!

(۳) پدرم متعجبانه از من سؤال پرسید: برای چه ذکر نمی‌کنی که من از صحنه‌های حجی که وحدت مسلمان‌ها را در آن جلوه‌گر شده بود، عکس گرفتم!

(۴) پدرم با شگفتی از من پرسید: چرا به خاطر نمی‌آوری که من از صحنه‌های حجی که در آن یکپارچگی مسلمان‌ها متجلی می‌شود، عکس‌هایی گرفتم!

۲۹- «هناك سمكة سُميت بالتيلابيا إنها تبلع صغارها عند وقوع الخطر ثم تُخرجها بعد زواله!»:

(۱) ماهی‌ای که تیلایپیا نامیده شده، کودکان خود را هنگام خطر می‌بلعد، آن‌گاه پس از از بین رفتن آن، آن‌ها را خارج می‌کند!

(۲) آن‌جا ماهی‌ای هست که تیلایپیا نامیده شده، او کودکانش را زمان وقوع خطر می‌بلعد، پس بعد از زوالش، آن‌ها را خارج می‌سازد!

(۳) یک ماهی وجود دارد که تیلایپیا نامیده شده، او هنگام رخ دادن خطر کودکانش را بلعیده، سپس آن‌ها را بعد از زوالش خارج می‌کند!

(۴) یکی ماهی وجود دارد که تیلایپیا نام دارد، آن در زمان خطر کودکان خود را بلعیده! آن‌گاه بعد از نابودی‌اش آن‌ها خارج می‌شوند!

۳۰- «لَمَّا كُنَّا فِي الطَّرِيقِ تَعَطَّلَتْ سَيَّارَتُنَا بَغْتَةً فَاتَّصَلْتُ بِمَصْلِحِ السَّيَّارَاتِ لَكِي يَجْرَ سَيَّارَتُنَا إِلَى مَوْقِفِ تَصْلِيحِ السَّيَّارَاتِ!»:

(۱) در راه که بودیم ماشین ما ناگهان خراب شد، سپس من با تعمیرکار خودروها تماس تلفنی گرفتم تا ماشین ما را به گاراژ تعمیر خودروها ببرد!

(۲) وقتی که در راه بودیم به یکباره ماشینمان خراب شد، بنابراین با تعمیرگاه خودرو تماس گرفتم تا ماشین را به تعمیرگاه خودرو بکشاند!

(۳) هنگامی که در راه بودیم به ناگاه ماشینمان خراب شد، پس با تعمیرکار خودرو تماس گرفتم تا ماشین ما را به تعمیرگاه خودرو بکشاند!

(۴) وقتی که راه افتادیم ناگهان ماشین ما خراب شد، سپس من با تعمیرگاه خودروها تماس گرفتم برای این‌که ماشینمان را به تعمیرگاه خودروها بکشاند!

۳۱- «لا تهنوا و لا تستسلموا أمام الظلم و أنتم تعلمون أن الباطل زاهق!»:

(۱) سست نشوید و در برابر ظلم تسلیم نشوید حال آن‌که می‌دانید که باطل از بین رفتنی است!

(۲) سستی نکنید و در مقابل ستم تسلیم نگردید که می‌دانید باطل از بین می‌رود!

(۳) دچار سستی نشوید و در برابر ظالم تسلیم نشوید در حالی که شما می‌دانید که باطل نابودشدنی می‌باشد!

(۴) نباید سستی کرده و در برابر ستم تسلیم شوید و شما می‌دانید که باطل نابود می‌شود!

۳۲- «و لَنُذَكِّرْكُمْ مِثْلًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ (ع) الَّذِي كَانَ يَحَاوِلُ أَنْ يَنْقُذَ قَوْمَهُ مِنْ أَنْ يَعْبُدُوا الْأَصْنَامَ!»:

(۱) و ذکر کنیم مثل ابراهیم خلیل (ع) کسی را که کوشش می‌کرد که قوم خود را از این‌که بت‌ها را پرستند، نجات دهد!

(۲) و مثلاً باید یاد کنیم ابراهیم خلیل (ع) را که سعی می‌کرد مردمش را از این‌که بت‌ها را پرستش کنند، رهایی دهد!

(۳) و مَثَلِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ (ع) رَا كَه تَلَّاش مِي كَرْد نَجَات دَهْد مَرْدَمَش رَا اَز اَيْن كَه بَت هَا پَرَسْتَش شُونْد، بَايْد يَاد كَنِيم!

(۴) و مثلاً ابراهیم خلیل (ع) را ذکر می‌کنیم که می‌خواست که مردمش را از عبادت بت‌ها نجات دهد!



## ۳۳- عین الخطأ:

- (۱) یا بُنِّي، لا جهادَ كجهاد النفس! ای پسرکم، هیچ جهادی هم چون جهاد با نفس نیست!
- (۲) «... و جعلني من المكرمين» «... و مرا از گرامی داشته شدگان قرار دادا»
- (۳) یا لیتنی أتشرف لزيارة الكعبة الشريفة مرة أخرى! کاش من یک بار دیگر به زیارت کعبه شریفه مشرف شوم!
- (۴) تقرأ الطالبتان مجدّتين دروسهما! دو دانش آموز کوشا درس هایشان را می خوانند!

## ۳۴- عین الخطأ:

- (۱) رأيتُ الولد مسروراً! پسر را خوش حال دیدم!
- (۲) رأيتُ ولداً مسروراً! پسر خوش حالی را دیدم!
- (۳) رأيتُ مسرورة الولد! پسر را در حالی که خوش حال بود، دیدم!
- (۴) رأيتُ الولد المسرور! پسر خوش حال را دیدم!
- ۳۵- «ایشان درباره پیامبر شروع به پیچ کردن!»؛ عین الصحيح:

- (۱) إنهم بدؤوا يتهامسون عن النبي!
- (۲) عن النبي هم يدؤون بالتهامس!
- (۳) بدأ يتهامسون من النبي!
- (۴) هم بدؤوا تهامسوا من النبي!

## ■ ■ ■ اقرأ النص التالي بدقة ثم أجب عن الأسئلة التالية بما يناسب النص (۴۲ - ۳۶):

تُعرف شجرة الزيتون بشجرة دائمة الخضراء ذات الأثمار الصالحة للأكل، هذه الأثمار لها فوائد صحّية و غذائية كبيرة جداً كما تُصنع منها زيوت لا تحتوي على نسبة الكوليسترول المضرّة لمرضى القلب. و لعلّ أهمّ ما تتميز به شجرة الزيتون هي أنّ فائدتها لا تقتصر على أثمارها بل تمتدّ إلى أخشابها و أوراقها و زيتها فكان الاهتمام بزراعتها منذ عصور ما قبل الميلاد للاستفادة من محصولها و زيتها و حتّى للزينة. كما يُستخدم غصن الزيتون و ورقته دلالة على السلام منذ القديم! و يبلغ عمره حتّى إلى مئات السنين و يمكن له البقاء على قيد الحياة في الظروف القاسية. تظهر أزهار هذه الشجرة خلال فصل الربيع و تتميز بنموها على شكل مجموعات باللون الأبيض فبعد نموّ الأزهار تبدأ الأثمار بالظهور!

## ۳۶- المهمّ و العجيب عن شجرة الزيتون هو أنّها ..... (عین الخطأ):

- (۱) لا تحتاج إلى العناية الكثيرة للنمو!
- (۲) نجدها في أغلب الأحيان خضرة!
- (۳) لأثمارها فوائد كثيرة جداً لنا!
- (۴) الاستفادة منها تنحصر في أثمارها!

## ۳۷- «تثمر شجرة الزيتون عادة في .....» :

- (۱) نهاية فصل الربيع
- (۲) نهاية فصل الشتاء
- (۳) كلّ فصول السنة
- (۴) بداية فصل الربيع

## ۳۸- من فوائد شجرة الزيتون هي أنّها ..... (عین الخطأ):

- (۱) ثروة اقتصادية بيئية!
- (۲) رمز للزينة في العصور القديمة!
- (۳) تُستعمل في المجالات الطبيّة!
- (۴) تستفاد منها استفادة شاملة!

## ۳۹- عین الخطأ:

- (۱) شجرة الزيتون تُعدّ (تعتبر) من الشجرات المعمّرة!
- (۲) زيت شجرة الزيتون مفيد حتّى لشخص أصيب بمرض قلبي!
- (۳) كان الإنسان في القديم يستخدم من محصول شجرة الزيتون فقط!
- (۴) تنمو أزهار شجرة الزيتون ثمّ تظهر أثمارها!

## ■ عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۲ - ۴۰):

## ۴۰- «يُمكن»:

- (۱) فعل مضارع - له ثلاثة حروف أصلية و حرف زائد واحد - للغائب / فعل و فاعله «البقاء» و الجملة فعلية
- (۲) مضارع - معلوم - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) / مع فاعله و الجملة فعلية
- (۳) مزيد ثلاثي (ماضيه: أمكن) - معلوم / فعلٌ و مفعوله «البقاء» و الجملة فعلية
- (۴) مزيد ثلاثي (بزيادة حرف واحد) - للمفرد المدكّر / الجملة فعلية





-۴۱ «تمییز»:

- (۱) مزید ثلاثی (بزیادة حرفین) - معلوم - للمفرد المدکّر / مع فاعله و الجملة فعلیة  
(۲) مضارع - حروفه الأصلیة: م ی ز (من باب تفعل) / الجملة فعلیة  
(۳) له ثلاثة حروف أصلیة و حرفان زائدان - للغائبه / الجملة فعلیة  
(۴) فعل مضارع - معلوم - مزید ثلاثی (ماضیه علی وزن «تفعل») / مع فاعله و الجملة فعلیة

-۴۲ «الصالحه»:

- (۱) اسم - معرّف بأل - اسم فاعل / صفة أو نعت  
(۲) مفرد مؤنث - اسم فاعل (من فعل أصلح) / صفة للموصوف  
(۳) مؤنث - اسم فاعل (من فعل دون حرف زائد) / صفة و موصوفها «الأثمار»  
(۴) مفرد - معرفة / صفة للموصوف

■ عین المناسب في الجواب عن الأسئلة التالية (۵۰ - ۴۳):

-۴۳ عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرًا!  
(۲) حَضَرَ السُّيَّاحَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرًا!  
(۳) الْحَيَوَانَ الْمَفْتَرِسَ يَبْتَعِدُ عَنِ الْعَشِّ كَثِيرًا!  
(۴) أَنْتِ تَعْلَمِينَ جَيِّدًا أَنَّ رَجُلِي تَوَلَّمَنِي!  
-۴۴ «رَبِّ ..... عَقْلِي وَ قَلْبِي بِالْعُلُومِ النَّافِعَةِ وَ اجْعَلِ التَّوْفِيقَ ..... يَ فِي الْحَيَاةِ!»: اِنتَخِبِ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاعِينَ:

- (۱) أَعِنَ - عَبَثَ (۲) أَنْزَلَ - حَطَّ (۳) أَقِيمَ - اِنْشَرَحَ (۴) آتَى - خِدَاعَ

-۴۵ «ذَلِكَ غَارُ ثَوْرٍ الَّذِي ..... إِلَيْهِ النَّبِيُّ (ص) فِي طَرِيقِ هِجْرَتِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ!»: عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) تَبَعَ (۲) لَجَأَ (۳) حَمَى (۴) تَأَكَّدَ

-۴۶ عین الخطأ عما أُشير إليه بخطأ:

- (۱) الْأَطْبَاءُ يُوَصُّونَ شَرِبَ اللَّبَنِ لِتَقْوِيَةِ الْعَظْمِ! (جمعه: أعاطم)  
(۲) الْعُمَّالُ جَعَلُوا الْبِضَائِعَ عَلَى أَكْتِفَاهِمَ! (جمع تكسير، مفردة: كَتِف)  
(۳) حُذُوا الْحَقَّ حَتَّى مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ! (مرادفه: اِسْتَلِمُوا)  
(۴) الْهُوَاءُ هُمُ الَّذِينَ يَرِغْبُونَ فِي عَمَلٍ أَوْ شَيْءٍ! (جمع مكسّر، مفردة: الهاوي)

-۴۷ عین «لا» تختلف:

- (۱) لَا نَجِدُ شَعْبًا بَيْنَ شُعُوبِ الْعَالَمِ إِلَّا وَ لَهُ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ!  
(۲) نَحْنُ لَا نَعْتَمِدُ عَلَى فَرْدِ اِشْتِهَارِهِ بِالْكَذِبِ!  
(۳) الْعُنَاوِينَ لَا قِيَمَةَ لَهَا إِنْ لَمْ تَقْتَرْنَ بِالْعَمَلِ!  
(۴) الْآيَةُ تَنْصَحُنَا أَلَّا نَتَجَسَّسَ فِي أُمُورِ السَّائِرِينَ!

-۴۸ عین الخطأ في استعمال الحروف المشبهة بالفعل:

- (۱) اِعْلَمُوا أَنَّ الصَّبْرَ هُوَ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ!  
(۲) لَيْتَ صَدِيقَتِي تَبْدَأُ بِاصْلَاحِ عَيْبِهَا!  
(۳) سَجَّادٌ لَمْ يَأْتِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ، كَأَنَّهُ مَرِيضٌ!  
(۴) لَعَلَّ يَنْزِلُ الْمَطْرُ عَلَى مِزَارِعِ الْمِزَارِعِينَ!

-۴۹ عین ما فيه فعل يعادل المضارع الاتزامي الفارسي:

- (۱) لَا يُطْعَمُ الْمُؤْمِنُ الْفُقَرَاءَ مِمَّا لَا يَأْكُلُ نَفْسَهُ!  
(۲) لَيْتَ الْبَشَرَ تَفَكَّرَ فِي أَسْرَارِ الْخَلْقَةِ!  
(۳) إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا يَا جَمَاعَةَ، فَلَا تَحْزَنُوا!  
(۴) الْقُرْآنُ أَنْزَلَ بَعْزِيَّ لَعَلَّنَا نَتَأَمَّلَ فِيهِ!

-۵۰ عین ما ليست فيه جملة حالیة:

- (۱) مَرَرْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ هُوَ يَتَكَلَّمُ بِجَوَّالِهِ!  
(۲) الْحَقُّ جَاءَ وَ يَزْهَقُ الْبَاطِلُ بِالْأَشْكَ!  
(۳) أَعْبُدُ رَبِّي الْكَرِيمَ وَ أَنَا أَشْكُرُ عَلَى أَنْعَمِهِ؟  
(۴) قَدْ يَضْحَكُ الْإِنْسَانُ وَ هُوَ حَزِينٌ مِنْ بَاطِنِهِ!



DriQ.com

## دین و زندگی

- ۵۱- چگونه تفکری در بیان نبوی برترین عبادت معرفی شده و نتیجه آن چیست؟
- (۱) «فی الله و فی قدرته» - پی بردن به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان و شناسایی صفات الهی  
 (۲) «فی کُلِّ شئی» - شکوفایی استعدادها و نویدبخش امید به آینده‌ای زیباتر  
 (۳) «فی الله و فی قدرته» - شکوفایی استعدادها و نویدبخش امید به آینده‌ای زیباتر  
 (۴) «فی کُلِّ شئی» - پی بردن به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان و شناسایی صفات الهی
- ۵۲- اگر رابطه خداوند با عالم تکوین را تا حدی مانند رابطه مولد برق با جریان برق در نظر بگیریم، بیانگر چیست و به چه چیزی منتهی می‌گردد؟
- (۱) نیازمندی جهان به خدا در بقا - افزایش عبودیت و بندگی  
 (۲) نیازمندی جهان به خدا در بقا - افزایش خودشناسی  
 (۳) نیازمند جهان به خدا در آفرینش - افزایش عبودیت و بندگی  
 (۴) نیازمندی جهان به خدا در آفرینش - افزایش خودشناسی
- ۵۳- با امان نظر در بیت «ما همه شیران ولی شیر علم / حمله‌مان از باد باشد دم به دم» کدام عبارت قرآنی به ذهن جست‌وجوگر انسان خطور می‌کند؟
- (۱) «اللَّهُ نَزَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»  
 (۲) «مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ»  
 (۳) «وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»  
 (۴) «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»
- ۵۴- تعبیر واژه «مَعَهُ» در کلام امیر دل‌ها علی (ع) که می‌فرماید: «مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ» کدام است؟
- (۱) همه اشیا و پدیده‌های عالم قبلاً نبوده‌اند پس حتماً علتی آن‌ها را به وجود آورده است.  
 (۲) تمام موجودات و اشیا سرتاسر نیازمند و فقیرند و بقای آن‌ها مرهون خداوند متعال است.  
 (۳) تنها خداوند است که خالق موت و حیات است، پس در فناء شئی نیز باز خدا مشاهده می‌شود.  
 (۴) هر چیزی در این جهان، بیانگر خداوند و نشانگر صفات مختلف خداوند متعال است.
- ۵۵- برای تبیین مرز توحید و شرک کدام یک به صواب نزدیک‌تر است؟
- (۱) توحید در ربوبیت بدین معناست که هرگونه اثر را از اشیا و یا انسان سلب کنیم و بدانیم همه آثار از سوی خداوند است.  
 (۲) اگر بگوییم که انسان و سایر مخلوقات نقشی در پرورش و تدبیر ندارند و همگی تحت تدبیر و پرورش الهی‌اند شرک در ولایت است.  
 (۳) براساس متون دینی بارها تأکید شده است که موجودات گوناگون در این عالم به طور مستقل تأثیر دارند.  
 (۴) اگر توانایی شفا دادن پیامبر اکرم (ص) را صرفاً از خدا و انجام آن با درخواست اولیا از خداوند به اذن خدا بدانیم عین توحید است.
- ۵۶- بعد از پذیرفتن یکتایی و بی‌همتایی خداوند و شریک نداشتن او، کدام اعتقاد مطرح می‌گردد و نقطه مقابل آن کدام است؟
- (۱) «قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» - شرک در خالقیت  
 (۲) «قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» - شرک در مالکیت  
 (۳) «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» - شرک در خالقیت  
 (۴) «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» - شرک در مالکیت
- ۵۷- هستی‌بخشی و هدایت‌گری خداوند متعال به ترتیب یادآور کدام مرتبه توحید است و مأذون بودن پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین (ع) در شفاعت از سوی خداوند به کدام یک اشاره دارد؟
- (۱) ولایت - ربوبیت - اولی  
 (۲) خالقیت - ربوبیت - دومی  
 (۳) خالقیت - ربوبیت - اولی  
 (۴) ولایت - ربوبیت - دومی
- ۵۸- چه موضوعاتی از آیه شریفه «قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ ابْنِي رَبًّا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ...» دریافت می‌گردد؟
- (الف) در این آیه پرسش و پاسخ هر دو از سوی خداوند است و خداوند تدبیرکننده جهان خلقت است.  
 (ب) توحید در خالقیت و ربوبیت خاستگاه عبودیت و بندگی و در یک کلام توحید عملی است.  
 (ج) همه چیز از خداست و از آن خداوند است و پیامبر تنها رساننده و واسطه فرمان‌های الهی است.  
 (د) توحید در ربوبیت بدین معناست که مثلاً باغبان و تدبیرش همه از آن خدا و تحت تدبیر او هستند.
- (۱) «الف» و «ب» (۲) «الف» و «د» (۳) «ب» و «ج» (۴) «ج» و «د»



۵۹- سرانجام نامیمون کسانی که بنده همیشه خداوند نیستند، در کدام عبارت قرآنی مشهود است و آنان در مقابل امتحان و ابتلای الهی

چه موضعی را در پیش می‌گیرند؟

(۱) «خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ» - «انْقَلَبَ عَلَيَّ وَجْهَهُ»

(۲) «خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ» - «فَدَّ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ»

(۳) «ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» - «الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ»

(۴) «ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» - «أَنبَاهَا كَلِمَةً هُوَ قَائِلُهَا»

۶۰- رابطه میان ابعاد فردی و اجتماعی توحید عملی چگونه است و حاکمیت طاغوت و دستوراتش مؤید کدام موضوع است؟

(۱) متقابل - شرک عملی در بعد فردی

(۲) متقابل - شرک عملی در بعد اجتماعی

(۳) تقابل - شرک عملی در بعد اجتماعی

(۴) تقابل - شرک عملی در بعد فردی

۶۱- تحقق چه چیزی باعث می‌شود یک جامعه به معنای واقعی آن توحیدی باشد؟

(۱) دارا بودن شرایطی که خداوند برای حاکم تعیین کرده و براساس قوانین الهی به حکومت رسیده باشد و آن را اجرا کند.

(۲) بتواند اقتصاد و فرهنگ را در مسیر توحید اجتماعی سوق دهد و از محرومان و مستضعفان حمایت کند.

(۳) بتواند جامعه را از تفرقه و تضاد خارج کند و براساس حکومت الهی به سوی وحدت و هماهنگی حرکت نماید.

(۴) تلاش ویژه در جهت گسترش عدالت و احیای یکپارچگی و وحدت و با دشمنان مسلمانان مبارزه کند.

۶۲- مفهوم مستفاد از بیت «بر آستان جانان گر سر توان نهادن / گلبنگ سربلندی بر آسمان توان زد» کدام است؟

(۱) انسان موحد، امیدوار است و در مقابل سختی‌ها و مشکلات صبور و استوار است و آن را زمینه شکوفایی و رشد خویش قرار می‌دهد.

(۲) موحدی که دل به خدا سپرده و زندگی خود را براساس رضایت او تنظیم کرده است، برخوردار از آرامش روحی است و برتر از فرشتگان می‌گردد.

(۳) در نگاه یک انسان مؤمن و موحد، جهان معنایی خاص دارد، از نظر او هیچ حادثه‌ای در عالم بی‌حکمت نیست.

(۴) انسان مؤمن و موحد موجودات را مخلوق خالق خویش می‌داند و آگاهی دارد که خداوند او را مسئول حفظ و آبادانی زمین کرده است.

۶۳- در حدیث نبوی: «هر کس چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد...» چه نتیجه‌ای بیان شده است و کدام عبارت قرآنی

با این بازتاب هم‌آوایی دارد؟

(۱) چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری خواهد شد - «هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»

(۲) مؤمنان با توجه به مراتب اخلاصشان بر یک‌دیگر برتری پیدا می‌کنند - «هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»

(۳) مؤمنان با توجه به مراتب اخلاصشان بر یک‌دیگر برتری پیدا می‌کنند - «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»

(۴) چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری خواهد شد - «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»

۶۴- دعای پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) که می‌فرماید: «اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا» مؤید کدام موضوع درباره‌ی اخلاص است و

خاستگاه این دعا و مناجات در کدام آیه شریفه تجلی دارد؟

(۱) راه‌های قوام‌بخش اخلاص - «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»

(۲) میوه‌های درخت اخلاص - «قُلْ أَعْبُدِ اللَّهَ أَبْعَى رَبًّا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ»

(۳) راه‌های قوام‌بخش اخلاص - «قُلْ أَعْبُدِ اللَّهَ أَبْعَى رَبًّا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ»

(۴) میوه‌های درخت اخلاص - «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»

۶۵- دل به مهر خداوند ندادن و نیافتن نشانه‌های الهی نتیجه‌ی کدام است و راه حل آن در کدام کلام نبوی مذکور است؟

(۱) نفوذ و وسوسه‌های شیطانی و عدم کارایی اخلاص در بندگی - «لَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ»

(۲) نفوذ و وسوسه‌های شیطانی و عدم کارایی اخلاص در بندگی - «إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ»

(۳) گرفتار شدن در غفلت و چشم اندیشه را به روی جهان بستن - «إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ»

(۴) گرفتار شدن در غفلت و چشم اندیشه را به روی جهان بستن - «لَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ»



۶۶- هر یک از موارد زیر به کدام موضوع مربوط می‌گردد؟

- زمینه‌ساز شکوفا شدن اراده و اختیار

- تعیین حدود و ویژگی براساس علم الهی

- «فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا»

(۱) حقیقت وجدانی اختیار - مقدر به تقدیر الهی - مسئولیت‌پذیری از شواهد وجود اختیار

(۲) قانون‌مندی جهان - مقدر به تقدیر الهی - تفکر و تصمیم از شواهد وجود اختیار

(۳) حقیقت وجدانی اختیار - مقضی به قضای الهی - تفکر و تصمیم از شواهد وجود اختیار

(۴) قانون‌مندی جهان - مقضی به قضای الهی - مسئولیت‌پذیری از شواهد وجود اختیار

۶۷- رابطه اراده الهی و اراده انسان چگونه است و این‌که اراده الهی منشأ ظهور و بروز اختیار انسان است مؤید چه چیزی است؟

(۱) از نوع وابستگی به عامل بالاتر - قضای الهی

(۲) از نوع وابستگی به عامل بالاتر - تقدیر الهی

(۳) از نوع اثرپذیری خاص و به طور مستقیم - تقدیر الهی

(۴) از نوع اثرپذیری خاص و به طور مستقیم - قضای الهی

۶۸- اگر گفته شود: «مخلوقات جهان آفرینش وابسته به قضای الهی‌اند.» کدام عبارت بیانگر آن است؟

(۱) نقشه جهان با همه مخلوقات عالم و ریزه‌کاری‌ها و قوانین آن همه از آن خداست.

(۲) علم و حکمت الهی سرچشمه و خاستگاه اراده و خواست الهی و اجرا و پیاده کردن است.

(۳) ایجاد شدن جهان خلقت با حکم و فرمان و اراده الهی انجام می‌پذیرد.

(۴) خداوند با علم خویش، اندازه، حدود و ویژگی‌های مخلوقات را تعیین می‌کند.

۶۹- کدام بیت در راستای تبیین «تفکر و تصمیم» به عنوان شاهدی بر وجود اختیار می‌تواند مورد استناد واقع شود؟

(۱) «هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ / هیچ با سنگی عتابی کس کند؟»

(۲) «این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم»

(۳) «وان پشیمانی که خوردی زان بدی / ز اختیار خویش گشتی مهتدی»

(۴) «گر نبودی اختیار این شرم چیست؟ / این دریغ و خجلت و آرم چیست؟»

۷۰- در روایات و تعالیم اسلامی «افزایش‌دهنده عمر» و «بهبود بخشیدن به زندگی» و «نزول بلا»، به ترتیب نتیجه چه عواملی است و مؤید

آن کدام عبارت قرآنی است؟

(۱) احسان به والدین - آب دادن به درخت تشنه - افزایش گناه - «فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»

(۲) صدقه دادن - لقمه حلال - ظلم به دیگران - «فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»

(۳) احسان به والدین - آب دادن به درخت تشنه - افزایش گناه - «فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا»

(۴) صدقه دادن - لقمه حلال - ظلم به دیگران - «فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا»

۷۱- بازتاب آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا ...» چیست و مؤید کدام جنبه توحید عملی است؟

(۱) گشوده شدن برکات آسمان و زمین - اجتماعی

(۲) گشوده شدن برکات آسمان و زمین - فردی

(۳) هدایت‌یابی به سوی راه‌های پروردگار - فردی

(۴) هدایت‌یابی به سوی راه‌های پروردگار - اجتماعی

۷۲- آیه شریفه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ...» مؤید کدام سنت الهی است و با کدام آیه شریفه هم‌آوایی دارد؟

(۱) سنت امداد عام الهی - «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»

(۲) سنت امداد خاص الهی - «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ...»

(۳) سنت امداد خاص الهی - «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»

(۴) سنت امداد عام الهی - «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ...»



۷۳- آن جا که خداوند در سوره هود می فرماید: «کسانی که زندگی دنیا و تجملات آن را بخواهند، حاصل کارهایشان را در همین دنیا به آنان

می دهیم و کم و کاستی نخواهند دید ...» سنت نهادینه شده در کدام آیه شریفه مشهود است؟

۱) ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ﴾

۲) ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَ هُوَآءًا مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾

۳) ﴿أَحْسِبَ النَّاسَ أَن يُتْرَكُوا أَن يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾

۴) ﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾

۷۴- این سخن امام صادق (ع): «مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ» با کدام آیه شریفه هم مفهوم است و کدام یک نمونه ای از آن می باشد؟

۱) ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ﴾ - سخت گیری خداوند بر بندگان

۲) ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ﴾ - ظلم به دیگران و افزایش گناه

۳) ﴿وَ مَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا﴾ - ظلم به دیگران و افزایش گناه

۴) ﴿وَ مَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا﴾ - سخت گیری خداوند بر بندگان

۷۵- علت وجوب روزه در کلام امیرالمؤمنین (ع) مؤید کدام آیه شریفه است؟

۱) ﴿كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَ هُوَآءًا مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ ...﴾

۲) ﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ...﴾

۳) ﴿كُلِّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً ...﴾

۴) ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ ...﴾

سایت کنکور

Konkur.in

**PART A: Grammar and Vocabulary**

**Directions:** Questions 76-87 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark your answer sheet.

- 76- He didn't speak much English, ..... he was able to understand what I was trying to say, ..... he helped me find the museum I was looking for.  
1) but / so                      2) and / so                      3) and / but                      4) but / but
- 77- The number of deer in this area has increased considerably because too many wolves, their only natural hunters, ..... by local farmers.  
1) has been killed              2) have been killing              3) has been killing              4) have been killed
- 78- The new discovery suggests that life could exist on planets very different from Earth, .....?  
1) could they                      2) couldn't they                      3) does it                      4) doesn't it
- 79- The children were very happy to see their grandparents, ..... they had not seen for quite a long time.  
1) whose                      2) whom                      3) when                      4) which
- 80- The author spent years ..... facts about different tourist sites in Europe before writing his travel guide.  
1) confirming                      2) compiling                      3) containing                      4) consisting
- 81- This cake is delicious! What are the ingredients? There's something in here that I recognize, but I can't ..... what it is.  
1) look out                      2) insist on                      3) figure out                      4) give out
- 82- She is now working with pharmaceutical companies to develop a new ..... of drugs that may be more effective than existing ones.  
1) comparison                      2) information                      3) generation                      4) population
- 83- Ancient Egyptians ..... the heart as the center of intelligence and emotion, and believed the brain to have no significance whatsoever.  
1) achieved                      2) inspired                      3) regarded                      4) produced
- 84- This book is ..... to almost anyone, but mostly to those who like science fiction.  
1) influenced                      2) discovered                      3) recommended                      4) experienced
- 85- No public bus serves that village, so you'll have to hire a taxi to take you there, and ..... for the same taxi to pick you up when you are ready to return.  
1) confirm                      2) involve                      3) regard                      4) arrange
- 86- You must follow the ..... for essay writing to ensure your essay has the proper format.  
1) matters                      2) compounds                      3) guidelines                      4) experiments
- 87- If we ..... the structure of a body until the cells become individually visible, every one of them can be seen to be in intense activity.  
1) magnify                      2) contain                      3) educate                      4) discover

**PART B: Cloze Test**

**Directions:** Questions 88-92 are related to the following passage. Read the passage and decide which choice, (1), (2), (3), or (4), best fits each space. Then mark your answer sheet.

The world's first cities were built on the banks of the Tigris and Euphrates rivers in what is now Iraq. About 5,000 years ago, the people of Sumer, the ...88... of southern Iraq where the two rivers flow together, began to build what would become great, bustling cities. They ...89... bricks from the riverside mud to build houses and massive temples. The Sumerians also ...90... one of the world's earliest ...91..., by making marks in soft tablets of clay, which they left in the Sun to harden. Their earliest cities, such as Ur and Uruk, became famous all over the Middle East as Sumerian merchants traveled ...92..., trading food grown in the fertile local fields. The Sumerians flourished until about 2000 BC, when desert tribes invaded.

- 88- 1) pack                                      2) slice                                      3) range                                      4) area  
 89- 1) were made                                      2) made                                      3) have made                                      4) were being made  
 90- 1) exchanged                                      2) collected                                      3) installed                                      4) developed  
 91- 1) writing of systems                                      2) writing systems                                      3) systems writing                                      4) system of writing  
 92- 1) abroad                                      2) beyond                                      3) through                                      4) above

**PART C: Reading Comprehension**

**Directions:** In this part of the test, you will read two passages. Each passage is followed by four questions. Answer the questions by choosing the best choice, (1), (2), (3), or (4). Then mark your answer sheet.

**Passage 1:**

She took up skating at age 85, made her first movie appearance at age 114, and held a concert in the neighborhood on her 121<sup>st</sup> birthday.

When it comes to long life, Jeanne Calment is the world's record holder. She lived to the ripe old age of 122. So is 122 the upper limit to the human life span? If scientists come up with some sort of pill or diet that would slow aging, could we possibly make it to 150 – or beyond?

Researchers don't entirely agree on the answers. "Calment lived to 122, so it wouldn't surprise me if someone alive today reaches 130 or 135," says Jerry Shay at the University of Texas.

Steve Austad at the University of Texas agrees. "People can live much longer than we think," he says. "Experts used to say that humans couldn't live past 110. When Calment blew past that age, they raised the number to 120. So why can't we go higher?"

The trouble with guessing how old people can live to be is that it's all just guessing. "Anyone can make up a number," says Rich Miller at the University of Michigan. "Usually the scientist who picks the highest number gets his name in Time Magazine."

Won't new anti-aging techniques keep us alive for centuries? "Any cure," says Miller, "for aging would probably keep most of us kicking until about 120." "Researchers are working on treatments that lengthen the life span of mice by 50 percent at most. So, if the average human life span is about 80 years," says Miller, "adding another 50 percent would get you to 120."

- 93- What does the story of Jeanne Calment prove to us?  
 1) Humans can live more than 120 years.                                      2) Old people are as creative as ever before.  
 3) Women are sporty even at the age of 85.                                      4) Women live longer than men.
- 94- According to Steve Austad at the University of Texas, .....  
 1) the average human life span could be 110  
 2) scientists cannot find ways to slow aging  
 3) few people can expect to live to over 150  
 4) researchers are not sure how long people can live
- 95- The underlined word "they" in paragraph 4 refers to .....  
 1) humans                                      2) people                                      3) experts                                      4) Shay and Austad
- 96- Who would agree that a scientist will become famous if he makes the wildest guess at longevity?  
 1) Jerry Shay                                      2) Steve Austad                                      3) Rich Miller                                      4) Jeanne Calment

**Passage 2:**

Last summer I went through a training program and became a literacy volunteer. The training I received, though excellent, did not tell me how it was to work with a real student, however. When I began to discover what other people's lives were like because they could not read, I realized the true importance of reading.

My first student Marie was a 44-year-old single mother of three. In the first lesson, I found out she walked two miles to the nearest supermarket twice a week because she didn't know which bus to take. When I told her I would get her a bus schedule, she told me it would not help because she could not read it. She said she also had difficulty once she got to the supermarket because she couldn't always remember what she needed. Since she did not know words, she could not write out a shopping list. Also, she could only recognize items by sight, so if the product had a different label, she would not recognize it as the product she wanted.

As we worked together, learning how to read built Marie's self-confidence, which encouraged her to continue in her studies. She began to make rapid progress and was even able to take the bus to the supermarket. After this successful trip, she reported how self-confident she felt. At the end of the program, she began helping her youngest son, Tony, a shy first grader, with his reading. She sat with him before he went to sleep and together they would read bedtime stories. When his eyes became wide with excitement as she read, pride was written all over her face, and she began to see how her own hard work in learning to read paid off.

97- What did the author do when she was done with her training?

- 1) She worked in the supermarket.
- 2) She helped someone to learn to read.
- 3) She gave single mothers the help they needed.
- 4) She went to another training program to help a literacy volunteer.

98- Why didn't Marie go to the supermarket by bus at first?

- 1) Because she liked to walk to the supermarket.
- 2) Because she lived far away from the bus stop.
- 3) Because she couldn't afford the bus ticket.
- 4) Because she couldn't find the right bus.

99- How did Marie use to find the goods she wanted in the supermarket?

- 1) She knew where the goods were in the supermarket.
- 2) She asked others to take her to the right place.
- 3) She managed to find the goods by their looks.
- 4) She remembered the names of the goods.

100- Which of the following statements is TRUE about Marie?

- 1) Marie could do things she had not been able to do before.
- 2) Marie was able to read stories with the help of her son.
- 3) Marie decided to continue her studies in school.
- 4) Marie paid for her own lessons.



دفترچه شماره ۲

آزمون شماره ۱۳

جمعه ۱۴۰۱/۰۱/۱۹



# آزمون‌های سرانسر گاج

گزینه درستی را انتخاب کنید.

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

## آزمون اختصاصی

### پایه دوازدهم منحصرأ زبان

دوره دوم متوسطه

Konkur.in

نام و نام خانوادگی:	شماره داوطلبی:
تعداد سوالاتی که باید پاسخ دهید: ۷۰	مدت پاسخگویی: ۱۰۵ دقیقه

عناوین مواد امتحانی آزمون اختصاصی گروه آزمایشی منحصرأ زبان، تعداد سوالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	وضعیت پاسخگویی	شماره سؤال		مدت پاسخگویی
				از	تا	
۱	زبان انگلیسی (اختصاصی)	۷۰	اجباری	۱۰۱	۱۷۰	۱۰۵ دقیقه



DriQ.com

**PART A: Grammar**

**Directions:** Questions 101-110 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark your answer sheet.

- 101- The tower was very tall and I was ..... to go higher than halfway up the tower.  
1) not nervous                      2) so nervous                      3) any nervous                      4) too nervous
- 102- I can't understand why Luke is in our basketball team and not me! Aren't I ..... him?  
1) any better                      2) the better                      3) as good as                      4) the best
- 103- Last night I was in a shop and saw a customer complaining to the manager. The more the customer complained, ..... and more unpleasant the manager became.  
1) ruder                      2) much ruder                      3) too ruder                      4) the ruder
- 104- The good thing about my new job is that I get a ..... more money, although not much more than I did before.  
1) bit                      2) less                      3) lot                      4) much
- 105- Although Alvin's parents ..... him that good manners were important, once he decided to rob a bank.  
1) had told often                      2) had often told                      3) often had told                      4) more often had told
- 106- It's not good to drink too much coffee. It's only eleven. And you've ..... had two coffees since breakfast.  
1) yet                      2) still                      3) no longer                      4) already
- 107- Why not take this opportunity to buy an apartment in San Manila? These are ..... luxurious apartments set in this magnificent seaside.  
1) really                      2) a bit                      3) hardly                      4) deeply
- 108- I haven't found a job yet. The problem is there just aren't ..... jobs, and there are too many people looking for jobs.  
1) plentyal                      2) right                      3) enough                      4) several
- 109- I used to play piano when I was six years old, but I'm not interested in music .....  
1) no more                      2) any more                      3) no longer                      4) yet
- 110- It's not logical that you expect your son to solve such a complicated puzzle. The puzzles are too difficult ..... children.  
1) on                      2) for                      3) to                      4) in

**PART B: Vocabulary**

**Directions:** Questions 111-125 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 111- Although she was left behind in some minutes, she succeeded in ..... her lead in the second half of the race.  
1) capturing                      2) customizing                      3) retaining                      4) remembering
- 112- This part is great to buy a piece of land. The surrounding country is very ..... and produces large quantities of rice, as well as Indian corn, tobacco, sugar, coffee and a great variety of fruits.  
1) fertile                      2) sympathetic                      3) terrible                      4) careful
- 113- Although the restaurant is under new management, this hasn't done a thing to ..... the quality of the food and service.  
1) conclude                      2) compare                      3) interest                      4) diminish
- 114- He had found, at last, the woman he wanted, and she soon became so indispensable to him that it was a ..... to be without her.  
1) gift                      2) torment                      3) gallery                      4) sneer
- 115- The school features a high percentage of ..... students and has a large long distance learning program.  
1) moral                      2) rude                      3) commuter                      4) collective
- 116- Alex was doing everything in his power to ..... her with all the experiences of a natural mother.  
1) continue                      2) confess                      3) provide                      4) abandon



- 117- I don't like to let anything wake me up because it gives me a headache. I think alarm calls are in the form of a ..... whistle.  
1) shrill                      2) double                      3) smooth                      4) gentle
- 118- Everyone loved him because he was a brave and great soldier who did not ..... in the face of great, great animosity and opposition.  
1) surprise                      2) flee                      3) confront                      4) seize
- 119- She is continually ..... her position by getting other people to do things for her.  
1) formatting                      2) displaying                      3) persisting                      4) abusing
- 120- She wasn't certain why her chest felt tight enough to ..... her breathing while her eyes were watering.  
1) hinder                      2) feature                      3) dwell                      4) consent
- 121- Some minutes after Howie's accident I saw him. At first, I couldn't understand his ..... but then it became clearer.  
1) mumble                      2) objection                      3) torture                      4) famine
- 122- It is unreasonable to feel ..... toward a person simply because of the color of their skin or their personal beliefs.  
1) satisfied                      2) toil                      3) prejudice                      4) bait
- 123- Everyone was doing something, many Iranians felt it was their ..... duty to buy bonds to support the war effort.  
1) deadly                      2) patriotic                      3) drastic                      4) mean
- 124- You never have to question Leo's ..... or motives; remember his code of ethics and how he truly does live by them.  
1) betrayal                      2) confession                      3) loyalty                      4) target
- 125- To ensure adequate humidity, each tube contained a small ..... of moist cotton and was plugged with moist cotton wool wrapped with fine mesh.  
1) tub                      2) chalk                      3) file                      4) wad

**PART C: Sentence Structure**

**Directions:** Choose the sentence with the best word order for each of the following series. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 126-  
1) I'm afraid I'm no longer as optimistic as I was a few weeks ago. In fact, I feel a bit depressed about finding a job.  
2) I'm afraid I'm any longer more optimistic as I was a few weeks ago. In fact, I feel enough depressed about finding a job.  
3) I'm afraid I'm no longer much optimistic than I was a few weeks ago. In fact, I feel too depressed about finding a job.  
4) I'm afraid I'm not longer as optimistic as I was a few weeks ago. In fact, I feel depressed enough about finding a job.
- 127-  
1) I know it isn't lunch-time already, but I'm so hungry to wait for the fried chicken to come out of the oven. No longer I can't wait.  
2) I know it isn't lunch-time still, but I'm too hungry to wait to the fried chicken to come out of the oven. Any longer I can wait.  
3) I know it isn't lunch-time yet, but I'm too hungry to wait for the fried chicken to come out of the oven. I can no longer wait.  
4) I know it isn't lunch-time yet, but I'm so hungry for wait to the fried chicken to come out of the oven. I can no longer wait.
- 128-  
1) Thank you for last weekend having us. We had such a lovely time in the country, and we arrived safely home at about eight. Before too long you must come and visit us.  
2) Thank you for having us last weekend. We had a lovely time in the country, and we arrived home safely at about eight. Before too long you must come and visit us.  
3) Thank you for having us last weekend. We had a so lovely time in the country, and we arrived home at about eight safely. You must come and visit us before too long.  
4) Thank you for last weekend having us. In the country we had such lovely time, and we arrived home safely at about eight. You must come and visit us before too long.



129-

- 1) Luckily my new boss isn't as rude as my old boss, Mrs. Crossley, was. I hated her. She was the less friendly person I've ever met. Everyone here is older than me.
- 2) Luckily my new boss isn't as rude my old boss, Mrs. Crossley, was. I hated her. She was the least friendly person I've ever met. Everyone here is elder than me.
- 3) Luckily my new boss isn't rude enough as my old boss, Mrs. Crossley, was. I hated her. She was the least friendly person I've ever met. Everyone here is elder than me.
- 4) Luckily my new boss isn't as rude as my old boss, Mrs. Crossley, was. I hated her. She was the least friendly person I've ever met. Everyone here is older than me.

130-

- 1) I don't really love this game. I think it's rather silly to pass six cards between some people. I don't like to play with those boys any more.
- 2) I don't rather love this game. I think it's a quite silly to pass six cards between some people. I don't like to play with those boys any more.
- 3) I don't really love this game. I think it's a pretty silly to pass six cards between some people. I don't like to play with those boys no more.
- 4) I don't enough love this game. I think it's too silly to pass six cards between some people. I don't like to play with those boys any longer.

**PART D: Language Functions**

**Directions:** Read the following conversations between two people and choose the answer choice (1), (2), (3), or (4) that best completes the blank in the conversations. Then mark the correct choice on your answer sheet.

**A:** I haven't seen Richard in a month. He doesn't answer his phone. Do you know where he is?

**B:** His house caught fired last month. He lost everything he had. He is not in a good mood.

**A:** Are you serious? Poor Richard. ... (131)... . What is he doing now? Where does he live?

**B:** He's living with his parents. He's doing his best to rebuild his house. I dropped by his place last week. He was ... (132)... working on the house.

**A:** Let's go and visit him after the class to see if he needs a hand.

**B:** Ok, but you must ... (133)... . He doesn't want the guys in the college to know about what happened to his house.

**A:** Sure. I'll keep it under my hat. I don't want Richard to ... (134)... for spreading the news of his house. But what should we say if anybody asks about him?

**B:** We can say he is sick!

131- 1) I put my heart on my sleeve 2) My heart goes out to him

3) I let the cat out of the bag 4) He got on my nerves

132- 1) chilling out 2) making a living 3) better off 4) knocking himself out

133- 1) sweep it under the rug 2) eat like a bird

3) be as solid as a rock 4) wear the pants

134- 1) make my day 2) be in touch

3) give me a rain check 4) put the blame on me

**A:** I won't go to that confectionary store any more. I quit my job.

**B:** Why? What's wrong?

**A:** I ... (135)... and ruined one of the customer's birthday cake. My boss got really mad.

**B:** That's too bad. Did he fire you?

**A:** No, he didn't. but I'm ashamed to show up there again. The customer was ... (136)... for half an hour at my boss.

**B:** I see it must have been a complicated situation. Your boss is a really nice man. What did he do?

**A:** He apologized to the man and gave him a free birthday cake.

**B:** I know it was a terrible experience for you, but you need to ... (137)... and work harder. I'm sure you can make up for your mistake.

135- 1) bit the bullet 2) messed up 3) called it a day 4) got out of hand

136- 1) ranting and raving 2) hitting the sack 3) missing the boat 4) pulling his leg

137- 1) make a pig of yourself 2) wake up and smell the coffee

3) get your act together 4) break a leg



A: Can I stay at your place tonight? My dad ...(138)... . He told me to go out of the house and don't ever come back!

B: What have you done again? You're driving that poor man crazy.

A: He found out I've been selling drugs recently. And when he asked me to leave these things, I told him I want to ...(139)... with this job.

B: Selling drugs?! Are you crazy? How can you do such a terrible thing to other people?

A: My dad is working all the time and I'm wasting my time. I feel like a basket case.

B: And selling drugs is the solution? Stop making a fool out of yourself. Throw all the drugs away and go apologize to your dad.

A: You're right. I screwed things up. I'm not sure my dad would forgive me, but I won't ...(140)... . I'll go and apologize over and over.

B: That's good. And stop annoying that poor old man. Don't be a pain in the neck!

- |                              |                              |             |             |
|------------------------------|------------------------------|-------------|-------------|
| 138- 1) threw the book at me | 2) made the long story short |             |             |
| 3) hung in there             | 4) cut corners               |             |             |
| 139- 1) fair and square      | 2) easy does it              |             |             |
| 3) make a living             | 4) get it out of my system   |             |             |
| 140- 1) help out             | 2) give up                   | 3) cheer up | 4) get real |

### PART E: Cloze Test

*Directions: Read the following passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.*

There is a famous expression in English: "Stop the world, I want to get off!" This expression ...(141)... to a feeling of panic, or stress, ...(142)... makes a person want to stop whatever they are doing, try to relax, and ...(143)... themselves. "Stress" means pressure or tension. It makes ...(144)... and it is one of the most common causes of health problems in modern life. ...(145)... stress results in physical, emotional, and mental health problems. There are numerous physical effects of stress. Stress can affect the heart. It can increase the pulse rate which you can feel if you put your finger on your ...(146)... . It can also make the heart miss beats, and can cause high blood pressure. High stress ...(147)... that something's wrong with the person. Stress can affect the respiratory system. It can lead to asthma. It can cause a person to breathe ...(148)..., resulting in a loss of important carbon dioxide. Stress can affect the stomach and make it ...(149)... . It can cause stomachaches and problems digesting food. These are only a few examples of the wide range of illnesses and symptoms ...(150)... from stress. Emotions are also ...(151)... affected by stress. People suffering from stress often feel ...(152)... . They may have panic attacks. They may feel tired all the time. When people are under stress, they often overreact to little problems and ...(153)... about them. For example, a normally gentle parent under a lot of stress at work may yell at a child for dropping a glass of juice. Stress can make people angry, moody, or nervous.

Long-term stress can lead to a / an ...(154)... of serious mental illnesses. Depression, an extreme feeling of sadness and hopelessness, can be the result of continued and increasing stress. Alcoholism and other addictions often develop as a result of overuse of alcohol or drugs to try to relieve stress. You should visit a psychologist and treat it. If it continues for a long time, you may feel you're ...(155)... to this sickness.

- |                      |                  |                 |                 |
|----------------------|------------------|-----------------|-----------------|
| 141- 1) conjures     | 2) hesitates     | 3) commends     | 4) refers       |
| 142- 1) who          | 2) whom          | 3) which        | 4) whose        |
| 143- 1) pacify       | 2) scream        | 3) take out     | 4) receive      |
| 144- 1) joyfulness   | 2) distress      | 3) storm        | 4) schedule     |
| 145- 1) Not much     | 2) Too much      | 3) Any more     | 4) Too many     |
| 146- 1) rate         | 2) gleam         | 3) campus       | 4) vein         |
| 147- 1) signifies    | 2) measures      | 3) repeats      | 4) proceeds     |
| 148- 1) such fast    | 2) as fast as    | 3) too fast     | 4) so many fast |
| 149- 1) awesome      | 2) vulnerable    | 3) significant  | 4) prior        |
| 150- 1) which result | 2) have resulted | 3) had resulted | 4) result       |
| 151- 1) easy         | 2) with easy     | 3) easily       | 4) at ease      |
| 152- 1) fertile      | 2) shrill        | 3) loyal        | 4) anxious      |
| 153- 1) neglect      | 2) attract       | 3) roam         | 4) exaggerate   |
| 154- 1) variety      | 2) exhibit       | 3) majority     | 4) annual       |
| 155- 1) amazed       | 2) released      | 3) confined     | 4) aspired      |

**PART F: Reading Comprehension**

**Directions:** In this part of the test you will read three passages. Each passage is followed by five questions. Answer the questions by choosing the best choice, (1), (2), (3), or (4). Then mark your answer sheet.

**Passage 1:**

Floods are second only to fire as the most common of all natural disasters. They occur almost everywhere in the world, resulting in widespread damage and even death. Consequently, scientists have long tried to perfect their ability to predict floods. So far, the best that scientists can do is to recognize the potential for flooding in certain conditions. There are a number of conditions, from deep snow on the ground to human error, that cause flooding.

When deep snow melts it creates a large amount of water. Although deep snow alone rarely causes floods, when it occurs together with heavy rain and sudden warmer weather it can lead to serious flooding. If there is a fast snow melt on top of frozen or very wet ground, flooding is more likely to occur than when the ground is not frozen. Frozen ground or ground that is very wet and already saturated with water cannot absorb the additional water created by the melting snow. Melting snow also contributes to high water levels in rivers and streams. Whenever rivers are already at their full capacity of water, heavy rains will result in the rivers overflowing and flooding the surrounding land.

Rivers that are covered in ice can also lead to flooding. When ice begins to melt, the surface of the ice cracks and breaks into large pieces. These pieces of ice move and float down the river. They can form a dam in the river, causing the water behind the dam to rise and flood the land upstream. If the dam breaks suddenly, then the large amount of water held behind the dam can flood the areas downstream too.

Broken ice dams are not the only dam problems that can cause flooding. When a large human-made dam breaks or fails to hold the water collected behind it, the results can be devastating. Dams contain such huge amounts of water behind them that when sudden breaks occur, the destructive force of the water is like a great tidal wave. Unleashed dam waters can travel tens of kilometers, cover the ground in meters of mud and debris, and drown and crush every thing and creature in their path.

Although scientists cannot always predict exactly when floods will occur, they do know a great deal about when floods are likely, or probably, going to occur. Deep snow, ice-covered rivers, and weak dams are all strong conditions for potential flooding. Hopefully, this knowledge of why floods happen can help us reduce the damage they cause.

**156- Which of the following are included as causes for floods in the reading passage?**

- |                       |                 |
|-----------------------|-----------------|
| 1) droughts           | 2) large lakes  |
| 3) poorly built roads | 4) melting snow |

**157- Which of the following best describes how a frozen river can cause a flood?**

- 1) The ice in the river melts too quickly and causes a flood.
- 2) The ice in the river cracks causing the water to overflow.
- 3) The ice in the river cracks into pieces that eventually create a dam causing the water to overflow.
- 4) The water collects behind the ice dam and when the dam breaks, it causes flooding upstream.

**158- A broken human-made dam is compared to what?**

- |                     |                 |
|---------------------|-----------------|
| 1) a tsunami        | 2) a tidal wave |
| 3) a broken ice dam | 4) overflowing  |

**159- How far can dam water travel when it is unleashed from a broken dam?**

- |                            |   |
|----------------------------|---|
| 1) less than 10 kilometers | 2) tens of kilometers                         |
| 3) thousands of kilometers | 4) tens of thousands of kilometers downstream |

**160- The word "occur" in line 1 is closest in meaning to .....**

- |           |           |            |           |
|-----------|-----------|------------|-----------|
| 1) appear | 2) vanish | 3) explode | 4) happen |
|-----------|-----------|------------|-----------|



## Passage 2:

Eddie was a carpet fitter, and he hated it. For ten years he had spent his days sitting, squatting, kneeling or crawling on floors, in houses, offices, shops, factories and restaurants. When his work was done, no one ever appreciated it. No one ever said "Oh, that's a beautiful job, the carpet fits so neatly." Eddie was sick of it.

He was especially sick of it on this hot, humid day in August, as he worked to put the finishing touches to today's job. He was just cutting and fixing the last edge on a huge red carpet which he had fitted in the living room of Mrs. Vanbrugh's house. Rich Mrs. Vanbrugh, who had never even given him a cup of tea all day, and who made him go outside when he wanted to smoke.

Eddie sat back and sighed. The job was done, and it was time for a last cigarette. He began tapping the pockets of his overalls, looking for the new packet of Marlboro he had bought that morning. They were not there. It was as he swung around to look in his toolbox for the cigarettes that Eddie saw the lump. Right in the middle of the brand new bright red carpet, there was a lump. A very visible lump. A lump the size of - the size of a packet of cigarettes. "Blast!" said Eddie angrily. "I've done it again! I've left the cigarettes under the blasted carpet!"

He had done this once before, and taking up and refitting the carpet had taken him two hours. Eddie was determined that he was not going to spend another two hours in this house. He decided to get rid of the lump another way. He turned to his toolbox for a large hammer.

Holding the hammer, Eddie approached the lump in the carpet. He didn't want to damage the carpet itself, so he took a block of wood and placed it on top of the lump. Then he began to beat the block of wood as hard as he could.

After three or four minutes, the lump was beginning to flatten out. Eddie imagined the cigarette box breaking up, and the crushed cigarettes spreading out under the carpet. Soon, he judged that the lump was almost invisible. Clearing up his tools, he began to move the furniture back into the living room, and he was careful to place one of the coffee tables over the place where the lump had been. Finally, the job was finished, and he called Mrs. Vanbrugh from the dining room to inspect his work. Eddie picked up his tools, and began to walk out to the van. Mrs. Vanbrugh accompanied him. She seemed a little worried about something. She said: "Young man, while you were working today, you didn't by any chance see any sign of Armand, did you? Armand is my parakeet - a beautiful bird, I let him out of his cage, this morning, and he's disappeared. He likes to walk around the house, and he's so good, he usually just comes back to his cage after an hour or so and gets right in. Only today he didn't come back." "No, madam, I haven't seen him anywhere," said Eddie, as he reached to start the van, and he saw his packet of Marlboro cigarettes on the dashboard, where he had left it at lunchtime.

And he remembered the lump in the carpet. And he realized what the lump was, and remembered the hammering and began to feel rather sick.

161- Why did Eddie hate being a carpet fitter?

- |                                 |                                  |
|---------------------------------|----------------------------------|
| 1) The pay was too low.         | 2) He didn't like working alone. |
| 3) No one appreciated his work. | 4) He couldn't smoke on the job. |

162- What did Eddie think of Mrs. Vanbrugh?

- |                                     |                                     |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| 1) She was a kind, thoughtful lady. | 2) She was always losing things.    |
| 3) She was rich and selfish.        | 4) She had good taste in furniture. |

163- Why didn't Eddie remove the carpet to take out the thing that was causing the lump?

- 1) He couldn't take the carpet up once he had fitted it.
- 2) He didn't need the cigarettes because he had some more in the van.
- 3) It would take too long to remove the carpet and re-fit it.
- 4) He intended to come back and remove the lump the next day.

164- What was really under the carpet?

- |                   |                     |
|-------------------|---------------------|
| 1) the cigarettes | 2) Eddie's toolbox  |
| 3) nothing        | 4) the missing bird |

165- The word "rather" in the last line could be best replaced by .....

- |       |         |          |        |
|-------|---------|----------|--------|
| 1) so | 2) such | 3) quite | 4) too |
|-------|---------|----------|--------|



## Passage 3:

Jack lay, quiet and unmoving, for thirty minutes while a stranger repeatedly stabbed him with sharp needles, causing blood to pour steadily out of his leg. Jack was getting a tattoo. His friend Tony had recently gotten a tattoo, and Jack was so impressed by Tony's bravery and his tattoo that he decided to get one too. Getting a tattoo because your friends and peers have them is just one of the reasons why a lot of young people in North America get tattoos. Peer pressure, media influence, and personal expression are some of the common reasons for wearing tattoos today.

The desire to be part of a group, to be accepted by one's friends or peers, can have a great influence on what a person does. Sometimes, wearing a tattoo can be a sign that you belong to a certain group. Gangs often use special clothes and tattoos to identify their particular group. For example, in one gang all the members may wear green army jackets and have large "Xs" tattooed on their arms. It is not only gangs that have this type of special "uniform". Young people often belong to a certain group of friends. Some of these groups wear only brand-name clothes. Some wear only black clothes. Others wear tattoos. When a person's friends are all doing something, such as getting a tattoo, that person is more likely to do the same thing, and get a tattoo too.

The media is another big influence behind the popularity of tattoos in North America. A wide variety of media images show tattoos. Tattoos can be seen on people appearing in commercials selling expensive cars. Famous sports heroes with tattoos are shown in magazines. Fashion models are often seen in magazines and on TV wearing designer clothes that show their bodies tattooed with detailed and colorful patterns. These media images link tattoos to ideas of wealth, success, and status. As a result, many people decide to get a tattoo for its fashion and status value.

It is not always the influence of other people or the media that results in a person getting a tattoo. Many people decide to wear tattoos in order to express their artistic nature, their beliefs, or their feelings - in other words, to show their individuality. A musician in a rock band may get a tattoo of a guitar on the arm. Some environmentalists may tattoo pictures of endangered animals on their shoulders. Lovers may tattoo each other's names over their hearts. A tattoo can be a public sign to show what is important in a person's life.

As you can see, there are many reasons why young North Americans get tattoos. A tattoo can be part of a group's uniform. It can be a sign of fashion. It can be an expression of individuality. The decision to get a tattoo is most often a result of the influence of friends or media or the desire to express oneself. For Jack, it was a mixture of all three.

166- According to the passage, all the following are the most common reasons why a person gets a tattoo

EXCEPT .....

- |                              |                                 |
|------------------------------|---------------------------------|
| 1) pressure from their peers | 2) it is healthy                |
| 3) influence from the media  | 4) a way of personal expression |

167- The underlined pronoun "his" in line 2 refers to .....

- |             |           |
|-------------|-----------|
| 1) stranger | 2) friend |
| 3) needle   | 4) Jack   |

168- According to the passage, some people get tattoos because .....

- |  |                       |
|--|-----------------------|
| 1) they think it is fashionable            | 2) they like pain     |
| 3) they think it will wash off in the bath | 4) they are religious |

169- The reason Jack wanted to get a tattoo was .....

- |                                |                               |
|--------------------------------|-------------------------------|
| 1) the influence of friends    | 2) the influence of the media |
| 3) a desire to express himself | 4) all of the above           |

170- Jack was stabbed for thirty minutes with needles because .....

- |                               |                                    |
|-------------------------------|------------------------------------|
| 1) he was getting acupuncture | 2) he was getting his ears pierced |
| 3) he was getting a tattoo    | 4) he was getting a nose ring      |



دفترچه شماره ۳

آزمون شماره ۱۳

جمعه ۱۴۰۱/۰۱/۱۹



# آزمون‌های سراسر گاج

گزینه درستی را انتخاب کنید.

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

## پاسخ‌های تشریحی

### پایه دوازدهم منحصراً زبان

#### دوره دوم متوسطه

شماره داوطلبی:	نام و نام خانوادگی:
مدت پاسخگویی: ۱۸۰ دقیقه	تعداد سؤالاتی که باید پاسخ دهید: ۱۷۰

عناوین مواد امتحانی آزمون گروه آزمایشی منحصراً زبان، تعداد سؤالات و مدت پاسخگویی

مدت پاسخگویی	شماره سؤال		تعداد سؤال	مواد امتحانی	ردیف
	تا	از			
۱۸ دقیقه	۲۵	۱	۲۵	فارسی	۱
۲۰ دقیقه	۵۰	۲۶	۲۵	زبان عربی	۲
۱۷ دقیقه	۷۵	۵۱	۲۵	دین و زندگی	۳
۲۰ دقیقه	۱۰۰	۷۶	۲۵	زبان انگلیسی	۴
۱۰۵ دقیقه	۱۷۰	۱۰۱	۷۰	زبان انگلیسی (اختصاصی)	۵

# آزمون‌های سراسر گاج

دروس	طراحان	ویراستاران علمی
فارسی	امیرنجات شجاعی	اسماعیل محمدزاده - مسیح گرجی مریم نوری نیا - فاطمه اسدی
زبان عربی	روح اله اصغری	شاهو مرادیان - سیدمهدی میرفتحی پریسا فیلو - علیرضا شفیعی
دین و زندگی	مرتضی محسنی کبیر	بهاره سلیمی - عطیه خادمی
زبان انگلیسی	امید یعقوبی فرد - مهدیه حسامی	کاظم عباسی



فروشگاه مرکزی گاج: تهران - خیابان انقلاب  
نیش بازارچه کتاب

اطلاع رسانی و ثبت نام ۰۲۱-۶۴۲۰

نشانی اینترنتی www.gaj.ir

سایت کنکور

آماده سازی آزمون

مدیریت آزمون: ابوالفضل مزرعی

بازبینی و نظارت نهایی: سارا نظری

برنامه ریزی و هماهنگی: مریم جمشیدی عینی - مینا نظری

بازبینی دفترچه: بهاره سلیمی - عطیه خادمی

ویراستاران فنی: ساناز فلاخی - مروارید شاه حسینی - مریم پارسائیان - زهرا رجبی - سپیده سادات شریفی

سرپرست واحد فنی: سعیده قاسمی

صفحه آرا: فرهاد عبدی

طراح شکل: آرزو گلفر

حروف نگاران: پگاه روزبهانی - مینا عباسی - مهناز السادات کاظمی - زهرا فتاحی - فرزانه رجبی - ربابه الطافی





## فارسی

۱ ۳

معنی درست واژه‌ها: مغان: در ادبیات عرفانی، عارف کامل و مرشد را گویند.

غاشبه: سوره‌ای از قرآن، یکی از نام‌های قیامت

۲ ۴

معنی درست واژه‌ها: ایدون: این چنین / سور: جشن / تریاق: پادزهر، ضد زهر / بدحالان: کسانی که سیر و سلوک آن‌ها به سوی حق، گند است.

۳ ۲

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) مباهات: سرافزازی

(۳) صباح: بامداد، سپیده‌دم، نگاه

(۴) سَموم: باد بسیار گرم و زیان‌رساننده

۴ ۲

مُطاع (کسی که از او اطاعت می‌کنند / اطاعت‌شده) درست است.

۵ ۲

املائی درست واژه‌ها: توابع - خوان

۶ ۴

املائی درست واژه: ج: خار: تیغ

۷ ۳

«دماوندیّه» بهار در قالب قصیده سروده شده که هر دو مصراع نخستین بیت آن هم‌قافیه‌اند.

«مست و هشیار» پروین اعتصامی در قالب قطعه سروده شده است. در این قالب معمولاً فقط مصراع‌های دوم دارای قافیه‌اند.

بررسی گزینه (۳): ای نهاده پای همّت بر سر اوج سما / وی گرفته ملک حکمت گشته در وی مقتدا

در آن زمان که کن تیغ با کف تو وصال / ز بس که جان بدن را دهی ز جسم فراق

۸ ۱

ایهام تناسب: خسرو: ۱- پادشاه (معنی مورد نظر)

۲- شاهزاده ایرانی و فرزند هرمز (معنی غایب / تناسب با «فرهاد» / شیرین:

۱- دلپذیر (معنی مورد نظر) ۲- شاهزاده ارمنی و معشوق خسرو (معنی غایب / تناسب با «فرهاد»)

جناس ناقص: —

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) کنایه: بی سر و پا بودن

جناس تام: دیده (چشم) و دیده (فعل)

(۳) تشبیه: مهر (خورشید) رو - مهر در دل به روح در تن / عشق در جان به آتش در مجمر

ایهام: مهر: ۱- محبت ۲- خورشید

(۴) استعاره: جان‌بخشی به چشم (دیده)

کنایه: تر دامن بودن / نقش بر آب زدن

۹ ۳

بررسی آرایه‌ها:

پارادوکس (بیت «و»): مسلط بودن بر خود در بی‌اختیاری

اسلوب معادله (بیت «الف»): سفله / مست شدن / طوفان کردن در بیداد = تیغ بدگهر / آب / خون‌ریزتر شدن

تشخیص (بیت «د»): جان‌بخشی به اندام معشوق

تشبیه (بیت «ه»): مزگان و موی به بیشتر

مجاز (بیت «ج»): عالم مجاز از مردم عالم

۱۰ ۳

بررسی موارد درست:

(ب) مجاز: پنجه مجاز از قدرت (ج) تناقض: چون شب شدن روز

(د) حس آمیزی: شعر تر

۱۱ ۱

بررسی آرایه‌ها:

ایهام: دور از رخت: ۱- در هجران رخ تو ۲- از رخ تو دور باشد.

ایهام تناسب: طاق: طاق (دوم): ۱- بی‌مانند و یکتا (معنی مورد نظر) ۲- سقف

محدّب (معنی غایب / تناسب با ابرو و طاق اول)

جناس تام: طاق (سقف محدّب) و طاق (بی‌مانند و یگانه)

تشبیه: طاق ابرو

۱۲ ۳

خضاب: مسند

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) جواب: مفعول (۲) نقاب: مفعول

(۴) ثبات: مفعول

۱۳ ۴

دود کدامین دل / آشفته /

صفت مضاف‌الیه / صفت مضاف‌الیه

کمند سر زلف / تو

مضاف‌الیه / مضاف‌الیه

مضاف‌الیه / مضاف‌الیه

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) شب ... طرّهات /

مضاف‌الیه مضاف‌الیه

(۲) فدای سر زلف / کافر / ت

مضاف‌الیه / صفت مضاف‌الیه

مضاف‌الیه / مضاف‌الیه مضاف‌الیه

(۳) خاک آن باد / خاک در ت / گرد آن خاک

صفت مضاف‌الیه / مضاف‌الیه مضاف‌الیه / صفت مضاف‌الیه

۱۴ ۳

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) نهاد + مسند + فعل: سرو بودی / ماه بودی / اگر سرو کمانکش بودی

(۲) نهاد + متمم + مسند + فعل: گفتمش سرو روان

(۴) نهاد + مفعول + مسند + فعل: خواندمش ماه تمام

۱۵ ۴

ساقی [روی سخنم با توست] جامی [بده] که عشرتم خام

است / مطرب [روی سخنم با توست] چنگی [بزن] که حالتهم زار است (۴بار)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) که گفت سعدی از آسیب عشق بگیریزد / به دوستی [سوگند می‌خورم] که

غلط می‌برد گمان ای دوست [روی سخنم با توست] (۲بار)

(۲) افسوس [می‌خورم] که در پای تو ای سرو روان [روی سخنم با توست] / سر

می‌رود و بی تو به سر می‌نرود (۲بار)

(۳) دعویّت به ز معنی [است] معنیّت به ز دعوی [است] / جان روی در تو دارد

که قبله دعایی (۲بار)

۱۶ ۳

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) صفت مضاف‌الیه: تاراج نگاه ناتوان

(۲) ممیّز: دو عالم معنی

(۴) مضاف‌الیه مضاف‌الیه: تاراج نگاه ... ش / کمین قامت پیری / قامت پیری ...

م / قربان سر مو / سر مویش

۱۷ ۳

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): مخاطب و شنونده

خوب، انگیزه سخنور است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) نکوهش غفلت و ضرورت عبرت‌پذیری

(۲) نکوهش بیان حقایق در عین ناآگاهی از آن

(۴) وجود مخاطب فهیم، موجب ایجاز در سخن است.

**اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:**

- (۱) پنداشته (← می‌پندارد؛ «یحسب» مضارع است.)، تنها (← پوچ و بیهوده)  
(۳) چگونگی (← آیا)  
(۴) گمان کرده (← گمان می‌کند)، ره‌ایش می‌کنند (← رها می‌شود؛ «یُتْرَك» مجهول است.)

۲۷ ۱ ترجمه کلمات مهم: النقوش: نقش و نگاره‌ها / حجة: دلیلی /  
ثبیت: تبیین (آشکار) می‌کنند / کانت ل: داشتند

**اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:**

- (۲) «کتاب‌ها» اضافی است، دلیل (← دلیلی؛ «حجة» نکره است.)، مبنی بر  
این‌که (← برای ما آشکار می‌کنند)، «کان + ل» مفهوم «داشتن» در زمان  
گذشته را بیان می‌کند.

- (۳) «کتاب‌ها» اشتباه است، کنده‌کاری‌ها (← نقش و نگاره‌ها)، از بهترین  
دلایلی‌اند (← بهترین دلیلی‌اند)، «مراسمی» اضافی است، بوده (← داشتند)  
(۴) دلیل (← دلیلی)، ما تبیین کنیم (← برای ما تبیین می‌کند)، دارند (← داشتند)

۲۸ ۴ ترجمه کلمات مهم: سألني: از من پرسید / فیها: در آن /  
یتجلی: متجلی می‌شود

**اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:**

- (۱) از پدرم پرسیدم (← پدرم از من پرسید)، جلوه‌گر می‌کند (← جلوه‌گر  
می‌شود؛ «یتجلی» لازم است.)

- (۲) «همانا» اضافی است، با (← در)  
(۳) ذکر نمی‌کنی (← به یاد نمی‌آوری)، جلوه‌گر شده بود (← جلوه‌گر می‌شود)،  
عکس (← عکس‌هایی)

۲۹ ۳ ترجمه کلمات مهم: هناك: وجود دارد / وقوع: وقوع، رخ دادن /  
ثم: سپس، آن‌گاه / تخرج: خارج می‌کند

**اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:**

- (۱) «هناك» ترجمه نشده، «وقوع» ترجمه نشده  
(۲) «آن‌جا» اضافی است، پس (← سپس، آن‌گاه)  
(۴) نام دارد (← نامیده شده)، «وقوع» ترجمه نشده، خارج می‌شوند (←  
خارج می‌سازد)، «تخرج» معلوم و متعدی است.)

۳۰ ۳ ترجمه کلمات مهم: كُنَّا: بودیم / مُصلِح السیارات: تعمیرکار  
خودرو / لكي یَجْز: تا بکشاند / موقف تصليح السیارات: تعمیرگاه خودرو

**اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:**

- (۱) «لَمَّا» ترجمه نشده، «تلفنی» اضافی است، گاراژ تعمیر خودروها (←  
تعمیرگاه خودرو)، ببرد (← بکشاند)  
(۲) تعمیرگاه خودرو (← تعمیرکار خودرو)، ماشین (← ماشین‌ها)  
(۴) راه افتادیم (← در راه بودیم)، سپس (← پس)، تعمیرگاه خودروها  
(← تعمیرکار خودرو)

۳۱ ۱ ترجمه کلمات مهم: لا تهنوا: سستی نکنید، سست نشوید /  
و أنتم تعلمون: در حالی که (حال آن‌که) می‌دانید / زاهق: از بین رفتنی، نابودشدنی

**اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:**

- (۲) که (← در حالی که؛ «و أنتم تعلمون» جمله حالیه است.)، از بین می‌رود  
(← از بین رفتنی)  
(۳) دچار سستی نشوید (← سستی نکنید)، ظالم (← ظلم)، «شما» زائد است.  
(۴) نباید سستی کرده و تسلیم شوید (← سستی نکنید و تسلیم نشوید)، و  
(← در حالی که)، نابود می‌شود (← نابود شدنی)

۱۸ ۴ مفهوم گزینه (۴): گله از عشق / نومییدی و یأس

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: مدهوشی عاشقان

۱۹ ۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): عشق، موجب کمال است.

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) لزوم حفظ عزت نفس / حتی‌کیما هم ارزش آن را ندارد که انسان شرم‌منده  
احسان و متت کسی شود.  
(۲) ضرورت پرداختن به خود پیش از آزموده شدن  
(۴) بی‌نیازی عاشق / حفظ عزت نفس

۲۰ ۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): مدهوشی و

بی‌خبری عاشقانه در اثر جلوه معشوق

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) ناآگاهی انسان از اسرار هستی  
(۲) جبر سرنوشت  
(۳) سرانجام خوش از خود بی‌خبر گشتن

۲۱ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): غلبه عشق بر عقل

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) ناتوانی عقل در برابر نفس  
(۲) ناتوانی عشق در برابر عقل / آلودگی به مادیات، موجب بی‌بهرگی از معنویات است.  
(۳) ضرورت بهره‌گیری از عقل در برابر نفس

۲۲ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): ناتوانی حواس مادی

از درک معنویات

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) مرگ‌آگاهی  
(۲) تسلیم عاشقانه

۲۳ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) موی در آوردن کف دست  
(۲) سبز شدن دانه در شوره‌زار  
(۳) باریدن برف سرخ از آسمان

۲۴ ۳ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۳): ترجیح معنی بر لفظ /

نکوهش پرداختن به ظاهر / ترجیح رها شدن از مادیات برای درک معنویات

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) تنها صاف‌ضمیران، توانایی درک امور معنوی ژرف را دارند.  
(۲) لفظ، توان پنهان ساختن معنی را ندارد.  
(۴) خاموشی عارفانه

۲۵ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): ضرورت جانفشانی و

ترک هستی در راه عشق

**مفهوم سایر گزینه‌ها:**

- (۱) عشق، غم‌های مادی را از دل می‌زداید.  
(۲) رهایی از عشق، میسر نیست.  
(۳) بلاکشی عاشقانه / عاشق در پی درمان درد عشق نیست.

**زبان عربی**

■ مناسب‌ترین جواب را در ترجمه یا تعریب مشخص کن (۳۵ - ۲۶):

۲۶ ۲ ترجمه کلمات مهم: یحسب: گمان می‌کند، می‌پندارد /

یُتْرَك: رها می‌شود / سُدئ: پوچ و بیهوده



۳۸ ۲ ترجمه عبارت سؤال: «از فواید درخت زیتون آن است که

.....»؛ (گزینه نادرست را مشخص کن!):

**ترجمه گزینه‌ها:**

- (۱) ثروت اقتصادی و زیست‌محیطی است.
- (۲) نمادی برای زیبایی در زمان‌های قدیم است.
- (۳) در زمینه‌های پزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- (۴) به طور همه‌جانبه از آن استفاده می‌شود.

۳۹ ۳ گزینه نادرست را مشخص کن:

**ترجمه گزینه‌ها:**

- (۱) درخت زیتون از درختان کهنسال محسوب می‌شود.
  - (۲) روغن درخت زیتون حتی برای کسی که دچار بیماری قلبی شده، سودمند است.
  - (۳) انسان در قدیم فقط از محصول درخت زیتون استفاده می‌کرده است.
  - (۴) گل‌های درخت زیتون رشد می‌کنند، سپس میوه‌هایش ظاهر می‌شوند.
- گزینه نادرست را در اعراب و تحلیل صرفی مشخص کن (۴۲ - ۴۰):

۴۰ ۳ مفعوله ← فاعله

۴۱ ۱ للمفرد المذكر ← للمفرد المؤنث الغائب

۴۲ ۲ من فعل «أصلح» ← من الفعل المجزء الثلاثي

■ گزینه مناسب را در پاسخ به سؤالات زیر مشخص کن (۵۰ - ۴۳):

۴۳ ۳ «الحيوان» و «يبتعد» صحیح‌اند.

۴۴ ۲ ترجمه عبارت سؤال: «پروردگارا ..... عقل و قلبم را با

دانش‌های سودمند و قرار بده موفقیت را ..... من در زندگی»

**ترجمه گزینه‌ها:**

- (۱) یاری کن - بیهوده
- (۲) روشن کن، نورانی کن - بخت و یار
- (۳) برپا دار - شادمانی
- (۴) بده، عطا کن - فریب

۴۵ ۲ ترجمه عبارت سؤال:

«آن غار ثور است که ..... به آن پیامبر در راه هجرتش به سمت مدینه  
منوره.»

**ترجمه گزینه‌ها:**

- (۱) دنبال کرد
- (۲) پناه برد
- (۳) حمایت کرد
- (۴) مطمئن شد (این فعل با حرف اضافه «من» می‌آید).

۴۶ ۱ بررسی گزینه‌ها:

- (۱) «العظام جمع: العظم: استخوان» است. (أعظم جمع: أعظم)
- (۲) کتف: شانه، کتف جمع: «أكتاف»
- (۳) خذوا = استلموا: بگیرید
- (۴) الهواة مفرد: الهاوي: علاقه‌مند

۴۷ ۳ «لا» در گزینه «۳» (لا قيمة: هیچ ارزشی) از نوع نفی جنس

است و در سایر گزینه‌ها «لا»ی نفی فعل مضارع به کار رفته است.

نکته: «ألا» از «أن + لا» تشکیل شده که «لا» در آن همیشه نافی است.

بنابراین گزینه (۴) لا نفی دارد.

۴۸ ۴ پس از حروف مشبهة بالفعل بلافاصله فعل نمی‌آید.

۳۲ ۲ ترجمه کلمات مهم: و لندتگر: و باید یاد کنیم / مثلاً: مثلاً /

كان يُحاول: سعی می‌کرد / يعبدوا: عبادت کنند

**اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:**

- (۱) ذکر کنیم (← باید ذکر کنیم)، مثل (← مثلاً)، کسی را که (← که)
  - (۳) مثل (← مثلاً)، پرستش شوند (← بپرستند)
  - (۴) ذکر می‌کنیم (← باید ذکر کنیم)، از عبادت (← از این‌که عبادت کنند)
- ۳۳ ۴ «مجدّتين» حال است، نه صفت.

ترجمه عبارت: «دو دانش‌آموز، باتلاش درس‌هایشان را می‌خوانند.»

۳۴ ۳ «مسرورة» چون قبل از «الولد» آمده و جنس آن با «الولد»

مطابقت ندارد، نمی‌تواند صاحب حالش باشد. صاحب حال ضمیر «ت» است؛

ترجمه: «در حالی که خوش حال بودم، پسر را دیدم.»

۳۵ ۱ موارد نادرست سایر گزینه‌ها:

(۲) «عن النبي» باید آخر عبارت بیاید، بیدوون (← بدووا)

(۳) بدأ (← هم بدووا)، من (← عن)

(۴) تهامسوا (← يتهامسون)، من (← عن)

■ متن زیر را با دقت بخوان سپس متناسب با آن به سؤالات آمده پاسخ بده  
(۴۲ - ۳۶):

درخت زیتون به درختی همیشه سبز و دارای میوه‌های قابل خوردن شناخته می‌شود، این میوه‌ها فواید سلامتی و غذایی بسیار زیادی دارند، همان‌طور که از آن روغن‌هایی ساخته می‌شود که حاوی میزان کلسترول مضر برای بیماران قلبی نیست. و شاید مهم‌ترین چیزی که درخت زیتون با آن متمایز می‌شود آن است که فایده‌اش به میوه‌ها محدود نمی‌شود بلکه به چوب‌ها و برگ‌ها و روغنش هم کشیده می‌شود و توجه به کاشت آن برای استفاده از محصولش و روغنش و حتی برای زیبایی از دوران قبل از میلاد بوده است. همان‌طور که شاخه و برگ زیتون برای دلالت بر صلح از قدیم به کار گرفته می‌شده است. و عمرش حتی به صدها سال می‌رسد و می‌تواند تحت شرایط دشوار زنده بماند. گل‌های این درخت در طول فصل بهار پدیدار می‌شود و به رشدشان به شکل گروه‌هایی به رنگ سفید متمایز می‌شود و پس از رشد گل‌ها، میوه‌ها شروع به نمایان شدن می‌کنند.

۳۶ ۴ ترجمه عبارت سؤال: «مهم و عجیب درباره درخت زیتون آن

است که .....»؛ (گزینه نادرست را مشخص کن!):

**ترجمه گزینه‌ها:**

- (۱) برای رشد به توجه فراوان نیاز ندارد.
- (۲) بیشتر وقت‌ها آن را سرسبز می‌یابیم.
- (۳) میوه‌هایش برای ما فواید بسیار زیادی دارد.
- (۴) استفاده از آن در میوه‌هایش منحصر می‌شود.

۳۷ ۱ ترجمه عبارت سؤال: «درخت زیتون معمولاً در ..... میوه

می‌دهد.»

**ترجمه گزینه‌ها:**

- (۱) پایان فصل بهار
- (۲) پایان فصل زمستان
- (۳) تمام فصل‌های سال
- (۴) آغاز فصل بهار



۵۸ ۲ موارد (الف) و (د) که درباره توحید در ربوبیت است صحیح است ولی مورد (ب) در عین صحیح بودن از این آیه برداشت نمی شود و مورد (ج) بخش اولش درباره مالکیت خداوند و ادامه آن درباره توحید در ولایت است.

۵۹ ۱ با توجه به آیه ۱۱ سورة حج: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخَسِرَانُ الْمُبِينُ»: از مردم کسی هست که خدا را بر یک جانب و کناره‌ای [تنها به زبان و هنگام وسعت و آسودگی] عبادت و بندگی می کند. پس اگر خیری به او رسد، دلش به آن آرام می گیرد و اگر بلایی به او رسد، از خدا رویگردان می شود. او در دنیا و آخرت [هر دو] زیان می بیند. این همان زیان آشکار است» بخش اول همه گزینیه‌ها صحیح است و در مقابل ابتلای الهی «أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ» موضع «انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ» می گیرند.

۶۰ ۲ میان بعد فردی و اجتماعی توحید رابطه متقابل وجود دارد. در جامعه‌ای که شرک عملی وجود داشته باشد روز به روز انسان‌های ستمگر قدرت بیشتری پیدا می کنند و دیگران را در خدمت امیال خود به کار می گیرند در نتیجه دیگر سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان‌های او نیست بلکه سخن از حاکمیت طاغوت و دستوره‌های اوست.

۶۱ ۱ به گونه‌ای همه گزینیه‌های (۲)، (۳) و (۴) مطالب صحیحی را بیان می کنند ولی کامل نیستند زیرا بعد اجتماعی توحید به معنای قرار گرفتن همه نهادها و ارکان یک جامعه یا نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه جانبه از اوست، مهم ترین رکن یک جامعه حکومت آن است وقتی یک جامعه توحیدی است که حاکم آن براساس قوانین الهی به حکومت رسیده باشد و همان شرایطی را که خداوند برای حاکم تعیین کرده است دارا باشد و بکوشد قوانین الهی را در جامعه به اجرا در آورد.

۶۲ ۲ در بیت «بر آستان جانان گر سر توان نهادن ...» سربلندتر شدن انسان از موجودات آسمانی «ملائک = فرشتگان»، نتیجه ایمان به خدا و سرسپردگی و اطاعت از خداوند ذکر شده است یعنی زندگی توحیدی و همچنین انسان موحد چون زندگی خود را براساس رضایت خداوند تنظیم کرده و پیرو فرمان‌های اوست، شخصیتی ثابت و پایدار دارد و برخوردار از آرامش روحی است.

۶۳ ۴ در حدیث شریف پیامبر اکرم (ص) می خوانیم: «هرکس چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد (علت)، چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری خواهد شد (معلول)». و آیه شریفه «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»: و کسانی که در راه ما جهاد [و تلاش] کنند حتماً آنان را به راه‌های خود هدایت می کنیم و در حقیقت خداوند با نیکوکاران است» به آن اشاره دارد.

۶۴ ۱ راز و نیاز و نیایش با خداوند و کمک خواستن از او که نمونه آن در مناجات پیامبر اکرم (ص) مشهود است اشاره به راه‌های تقویت اخلاص دارد و خاستگاه و سرچشمه این فقر و نیازمندی باعث می شود که انسان‌های آگاه این فقر و نیاز را بیشتر درک کنند برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی عاجزانه از خداوند می خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند که این مطلب در آیه شریفه «يا ايها الناس انتم الفقراء الى الله و الله هو الغني الحميد» تجلی دارد.

۴۹ ۴ «لعلّ + مضارع: مضارع التزامی» ← «لعلنا نتأمل: «امید است که تأمل کنیم.»

### ترجمه سایر گزینه‌ها:

- (۱) مؤمن از آن چه خودش نمی خورد، به فقرا غذا نمی دهد.
- (۲) کاش انسان در رازهای خلقت اندیشه می کرد.
- (۳) ای جماعت، بی گمان خداوند با ماست، پس ناراحت نباشید.

### ۵۰ ۲ ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

- (۱) «و هو يتكلم» جمله حالیه است.
- (۲) ترجمه: حق آمد و باطل بدون شک نابود می شود. (جمله حالیه نداریم).
- (۳) «و أنا أشكر» جمله حالیه است.
- (۴) «و هو حزين» جمله حالیه است.

### دین و زندگی

۵۱ ۳ اندیشه، بهار جوانی را پرطراوت و زیبا می سازد، استعدادها را شکوفا می کند و امید به آینده‌ای زیباتر را نوید می بخشد، علاوه بر آن می تواند برترین عبادت‌ها باشد.

پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ: برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.»

۵۲ ۱ از آن جا که جهان همواره و در هر «آن» به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچگاه قطع یا کم نمی شود تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است و اشاره به نیازمندی جهان به خدا در بقا دارد و هر چقدر درک این نیازمندی بیشتر شود یعنی درک بیشتر فقر و نیاز را احساس کند، عبودیت و بندگی اش بیشتر می شود.

۵۳ ۴ این بیت اشاره به نیازمندی جهان به خدا در بقا دارد و همه موجودات در همه حال به خداوند وابسته هستند چون خداوند همواره دست اندر کار امری است. لذا همه موجودات دائماً و آن به آن به او نیازمند هستند یعنی علاوه بر پیدایش، در بقا هم به او محتاجند و این موضوع در آیه شریفه «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» تجلی دارد.

۵۴ ۲ تعبیر «مَعَهُ» در این حدیث اشاره به این دارد که آن حضرت وقتی می نگردد که این شیء سرتاسر نیازمند و فقیر در حال حاضر وجود دارد پس در می یابد که بقای آن مرهون خداست.

۵۵ ۴ عقیده به توانایی پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین (ع) در برآوردن حاجات انسان (مانند شفا دادن) وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آن‌ها و مستقل از خدا بدانیم، اگر این توانایی را صرفاً از خدا و انجام آن را با درخواست اولیا از خداوند بدانیم عین توحید است و از این جهت مانند اثر شفابخشی داروست که خداوند به آن بخشیده است در گزینۀ (۱) سلب هر گونه اثر را از اشیا و یا انسان و در گزینۀ (۲) انسان و سایر مخلوقات نقشی در پرورش و تدبیر ندارند و شرک در ولایت و در گزینۀ (۳) موجودات گوناگون در این عالم به طور مستقل تأثیر دارند، نادرست است.

۵۶ ۱ پس از پذیرش یکتایی و بی‌همتایی خداوند و شریک نداشتن او «اصل و حقیقت توحید»، توحید در خالقیت مطرح می گردد که در آیه «قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» مشهود است و عدم اعتقاد به آن «شرک در خالقیت» است.

۵۷ ۲ هستی بخشی همان خالقیت خداوند است و این که خداوند هدایت می نماید اشاره به توحید در ربوبیت دارد و اذن و اجازه داشتن پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین (ع) در شفابخشی همان مرتبه توحید در ربوبیت است.



۷۱ | ۱ در آیه ۹۶ سوره اعراف می‌خوانیم: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ... : و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، قطعاً برایشان می‌گشودیم برکاتی از آسمان و زمین...»، که بازتاب این آیه گشایش برکات آسمان و زمین است و با توجه به کلیدواژه القری که مفهوم آن جامعه است مؤید جنبه اجتماعی توحید عملی است.

۷۲ | ۱ در آیه ۱۰۴ سوره انعام می‌خوانیم: «به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمده است، پس هرکس که بینا گشت، به سود خود اوست و هرکس کور دل گردد، به زیان خود اوست» که مؤید سنت امداد عام الهی است زیرا خداوند امکانات را به انسان ارزانی داشته است و با آیه شریفه «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ ...» ارتباط مفهومی دارد.

۷۳ | ۲ ترجمه آیات سوره هود مذکور مربوط به سنت امداد عام الهی است و آیه شریفه: «كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَ هُوَآءًا مِّنْ عَطَايَ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَايَ رَبِّكَ مَحْظُورًا: هر یک از اینان و آنان [دنیاطلبان و آخرتطلبان] را مدد می‌رسانیم از عطای پروردگارت و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است». به این سنت اشاره دارد.

۷۴ | ۲ حدیث امام صادق (ع): «کسانی که به واسطه گناهان می‌میرند از کسانی که به واسطه سرآمد عمرشان می‌میرند، بیشترند.» درباره سنت «تأثیر اعمال انسان در زندگی او» می‌باشد و با آیه «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتِ أَيْدِيكُمْ ...» مرتبط است چون این آیه اشاره دارد که انسان با اختیار خویش (کردار خویش) عقوبت و عذاب را دریافت می‌کند و ظلم به دیگران و افزایش گناه، اعم از فردی و اجتماعی، آثار زیان‌باری از جمله نزول بلا و عدم استجاب دعا را به دنبال دارد و باید بدانیم سخت‌گیری خداوند بر بندگان از دریچه لطف و رحمت است و نشانگر سنت سبقت رحمت بر غضب است.

۷۵ | ۳ از آن‌جا که در میان اعمال واجب، روزه تأثیر خاصی در تقویت اخلاص دارد، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «خداوند بدان جهت روزه را واجب کرد تا اخلاص مردم را بیازماید.» لذا با آیه شریفه «كُلَّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوكُم بِالشَّرِّ وَ الْحَيْرِ فِتْنَةً ...» که درباره امتحان و ابتلاست ارتباط معنایی دارد.

## زبان انگلیسی

۷۶ | ۱ او خیلی انگلیسی صحبت نمی‌کرد، ولی چیزی که من تلاش می‌کردم بگویم را توانست متوجه شود، پس کمکم کرد تا موزه‌ای را که دنبالش می‌گشتم پیدا کنم.

**توضیح:** در جای خالی اول از "but" برای بیان تضاد و نتیجه غیرمنتظره استفاده شده است و در جای خالی دوم از "so" برای بیان نتیجه استفاده کرده‌ایم.

۷۷ | ۴ تعداد گوزن‌ها در این ناحیه به نحو قابل توجهی افزایش یافته است، چون که گرگ‌های بسیار زیادی [به عنوان] تنها شکارچیان طبیعی آن‌ها توسط کشاورزان محلی کشته شده‌اند.

**توضیح:** فعل "kill" (کشتن) متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این‌که مفعول این فعل (wolves) پیش از جای خالی قرار گرفته است، این فعل را به صورت مجهول نیاز داریم و پاسخ در بین گزینه‌های (۱) و (۴) است. **دقت کنید:** به دلیل جمع بودن "wolves" (گرگ‌ها)، در ابتدای گزینه صحیح به "have" نیاز داریم، نه "has".

۷۸ | ۴ کشف جدید نشان می‌دهد که حیات می‌تواند در سیاراتی بسیار متفاوت از زمین وجود داشته باشد، درست است؟ **توضیح:** "discovery" (کشف) اسم سوم شخص مفرد است و ضمیر فاعلی مناسب برای آن "it" است، نه "they".

**دقت کنید:** به دلیل مثبت بودن فعل "suggests" در جمله اصلی، در پرسش کوتاه تأییدی "does" را به صورت منفی نیاز داریم.

۶۵ | ۳ در موضوع راه‌های تقویت اخلاص و افزایش معرفت و شناخت نسبت به خداوند می‌خوانیم که اگر کسی گرفتار غفلت شد و چشم اندیشه را به روی جهان بست، آیات الهی را نخواهد یافت و دل به مهر او نخواهد داد و هر قدر که معرفت ما به خداوند بیشتر شود به افزایش درجه اخلاص کمک خواهد کرد پس خوب است ساعاتی را صرف تفکر در آیات و نشانه‌های الهی کنیم تا بیشتر دریابیم و این موضوع را می‌توان، در حدیث شریف نبوی: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ: برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست» مشاهده نمود.

۶۶ | ۲ - زمینه‌ساز شکوفایی اختیار همان قانونمندی جهان است، خداوند، قدرت اختیار و اراده را به ما عطا کرده و از ما خواسته است با استفاده از آن، برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم و در مسیر رشد و کمال تا آن‌جا پیش برویم که جز خداوند کسی به عظمت آن آگاه نیست.

- از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند به تقدیر الهی وابسته‌اند یعنی مقدر به تقدیر الهی است.

- آیه شریفه «فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ...» مؤید «تفکر و تصمیم» از شواهد وجود اختیار است.

۶۷ | ۱ سلسله علت‌ها در این حالت در یک ردیف و مستقل نیستند بلکه نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین وابسته به علت مرتبه بالایی است یعنی از نوع وابستگی به عامل بالاتر است «علل طولی». وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از اراده الهی و خواست خداست، به عبارت دیگر، خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. «قضای الهی»

۶۸ | ۳ مخلوقات جهان از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند به قضای الهی وابسته هستند یعنی اجرا و پیاده کردن به اراده خداست. دقت شود که مخلوقات جهان از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند وابسته به تقدیر الهی هستند یعنی نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و از علم خداست.

۶۹ | ۲ بیت «این که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم» مؤید «تفکر و تصمیم» از شواهد وجود اختیار است زیرا هر کدام از ما همواره تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم و جوانب آن را می‌سنجیم و سپس دست به عمل می‌زنیم، گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چندین راه و چندین کار، کدام یک را انتخاب کنیم، دست آخر، پس از بررسی‌های لازم، یکی را برگزیده و عمل می‌کنیم.

۷۰ | ۲ در تعالیم دینی آمده است که صلۀ رحم و محبت به خویشان و دادن صدقه، عمر را افزایش می‌دهد و قطع رحم و بی‌محبتی به خویشان عمر را کاهش می‌دهد. احسان به والدین، امانت‌داری، لقمه حلال، آب دادن به درخت تشنه یا سیراب کردن حیوانات و نیز برطرف کردن اندوه و غصه دیگران زندگی را بهبود می‌بخشد، ظلم به دیگران و افزایش گناه، اعم از فردی و اجتماعی، آثار زیان‌باری از جمله نزول بلا و عدم استجاب دعا را به دنبال دارد همان‌طور که تقوا و ایمان واقعی به خداوند سبب نزول برکات الهی می‌گردد تکذیب این موارد باعث گرفتاری در عذاب می‌شود و عبارت قرآنی «فَأَخَذْنَا هُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» مؤید آن است زیرا به «سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او» اشاره دارد.



اولین شهرهای جهان در سواحل رودهای دجله و فرات در آن جایی که امروزه عراق است، ساخته شده بودند. حدود ۵۰۰۰ سال پیش، مردم سومر، [در] منطقه‌ای از جنوب عراق جایی که جریان این دو رود به هم ملحق می‌شود، شروع به بنای چیزی کردند که [سرانجام] به شهرهای بزرگ [و] شلوغی تبدیل شدند. آن‌ها آجرها را از گِل کنار رودخانه به منظور ساختن خانه‌ها و معابد عظیم درست کردند. سومری‌ها همچنین با ایجاد نشانه‌هایی در لوح‌های نرم رسی که آن‌ها را برای سفت شدن در [معرض نور] خورشید قرار می‌دادند، یکی از نخستین سیستم‌های نگارش جهان را شکل دادند. نخستین شهرهای آن‌ها، مانند اور و اوروک در سراسر خاورمیانه مشهور شدند زیرا بازرگانان سومری به خارج از کشور سفر می‌کردند، [و] به تجارت مواد غذایی رشد یافته در مزارع حاصل خیز محلی می‌پرداختند. سومری‌ها تا حدود ۲۰۰۰ [سال] پیش از میلاد، زمانی که قبایل بیابانی هجوم آوردند، [تمدن] شکوفا [ی] بودند.

۴ ۸۸

- (۱) بسته؛ گروه  
(۲) قطعه، تکه  
(۳) محدوده، طیف  
(۴) ناحیه، منطقه

۲ ۸۹ توضیح: فعل "make" (درست کردن، ساختن) در این جا جزء افعال متعدی است و به مفعول نیاز دارد. با توجه به این که مفعول این فعل (bricks) بعد از جای خالی قرار گرفته است، در جای خالی به فعل معلوم نیاز داریم و پاسخ در بین گزینه‌های (۲) و (۳) است.

دقت کنید: چون در این مورد، فعل معلوم در بازه زمانی مشخصی از گذشته انجام شده و به اتمام رسیده است، آن را در زمان گذشته ساده نیاز داریم.

۴ ۹۰

- (۱) عوض کردن، تعویض کردن  
(۲) جمع‌آوری کردن؛ وصول کردن  
(۳) نصب کردن، کار گذاشتن  
(۴) توسعه دادن؛ شکل دادن؛ شکل یافتن

۲ ۹۱ توضیح: در این تست "writing" (نگارش) در نقش صفت برای "systems" به کار رفته است؛ در نتیجه باید پیش از "systems" قرار گیرد و بین دو کلمه به حرف اضافه "of" نیاز نداریم.

۱ ۹۲

- (۱) در خارج (از کشور)؛ به خارج (از کشور)  
(۲) ورا، فراتر از  
(۳) از طریق؛ از میان  
(۴) بالای

او در ۸۵ سالگی شروع به اسکیت‌بازی کرد، اولین نمایش فیلمش را در ۱۱۴ سالگی انجام داد، و در تولد ۱۲۱ سالگی‌اش کنسرتی در محله برگزار کرد. زمانی که [موضوع] عمر طولانی مطرح می‌شود، [می‌توان گفت] ژان کالمان دارنده رکورد جهان است. او تا سن ۱۲۲ سالگی عمر کرد. لذا آیا ۱۲۲ [سال] حد بالایی برای طول عمر انسان است؟ اگر دانشمندان نوعی قرص یا رژیم غذایی به وجود آورند که [روند] پیر شدن را کند کند، آیا ممکن است ما به [سن] ۱۵۰ [سال] یا فراتر برسیم؟ محققان کاملاً با پاسخ‌ها [این سوالات] موافق نیستند. جری شی در دانشگاه تگزاس می‌گوید «کالمان تا ۱۲۲ [سالگی] عمر کرد، بنابراین اگر کسی که امروز در قید حیات است به ۱۳۰ یا ۱۳۵ [سالگی] برسد، این [موضوع] مرا متعجب نخواهد کرد.»

۲ ۷۹ بچه‌ها از دیدن پدر بزرگ و مادر بزرگشان که آن‌ها را برای مدتی نسبتاً طولانی ندیده بودند، بسیار خوشحال بودند.

توضیح: با توجه به کاربرد مرجع انسان "grandparents" پیش از جای خالی و ضمیر فاعلی (they) پس از آن، ضمیر موصولی حالت مفعولی برای انسان دارد و در بین گزینه‌ها تنها "whom" می‌تواند جمله را به درستی کامل کند.

۲ ۸۰

نویسنده پیش از نگارش راهنمای گردشگری‌اش سال‌ها [وقت] را صرف گردآوری کردن حقایق در مورد مکان‌های گردشگری مختلف در اروپا نمود.  
(۱) تأیید کردن، تصدیق کردن  
(۲) جمع‌آوری کردن، گردآوری کردن  
(۳) حاوی ... بودن، دربر داشتن  
(۴) شامل بودن

۳ ۸۱

این کیک خوشمزه است! مواد [آن] چیست؟ یک چیزی این جا [داخل] کیک هست که می‌توانم [طعم آن را] تشخیص دهم، ولی نمی‌توانم بفهمم آن چیست.

- (۱) مراقب بودن  
(۲) اصرار کردن بر، تأکید کردن بر  
(۳) پی بردن، فهمیدن  
(۴) ساطع کردن، منتشر کردن

۳ ۸۲

او در حال حاضر با شرکت‌های دارویی کار می‌کند تا نسل جدیدی از داروها را توسعه دهند که ممکن است از آن [داروهای] موجود مؤثرتر باشند.

- (۱) مقایسه، سنجش  
(۲) اطلاعات  
(۳) نسل؛ تولید  
(۴) جمعیت

۳ ۸۳

مصریان باستان قلب را به عنوان مرکز هوش و احساس در نظر می‌گرفتند و اعتقاد داشتند مغز هیچ‌گونه اهمیتی ندارد.

- (۱) دست یافتن به، رسیدن به  
(۲) الهام بخشیدن  
(۳) در نظر گرفتن، لحاظ کردن  
(۴) تولید کردن، ساختن

۳ ۸۴

این کتاب تقریباً برای همه توصیه می‌شود، ولی بیشتر برای آن‌هایی که [ژانر] علمی تخیلی را دوست دارند.

- (۱) اثر گذاشتن بر، تحت تأثیر قرار دادن  
(۲) کشف کردن؛ پی بردن  
(۳) توصیه کردن، سفارش کردن  
(۴) تجربه کردن

۴ ۸۵

هیچ اتوبوس همگانی‌ای [در مسیر] آن روستا خدمت (فعالیت) نمی‌کند، پس باید یک تاکسی کرایه کنید تا شما را به آن جا ببرد و وقتی آماده بودید تا برگردید با همان تاکسی هماهنگ کنید تا سوارتان کند.

- (۱) تأیید کردن، تصدیق کردن  
(۲) درگیر کردن؛ مشارکت دادن  
(۳) در نظر گرفتن، لحاظ کردن  
(۴) هماهنگ کردن؛ ترتیب دادن

۳ ۸۶

شما باید از دستورالعمل‌های نگارش مقاله تبعیت کنید تا مطمئن شوید مقاله‌تان دارای ساختار مناسبی است.

- (۱) موضوع؛ ماده  
(۲) ترکیب  
(۳) دستورالعمل  
(۴) آزمایش

۱ ۸۷

اگر ساختار بدن را تا زمانی که سلول‌ها به صورت جداگانه قابل دیدن شوند بزرگ کنیم، می‌توان دید که هر کدام از آن‌ها در فعالیت شدید است.

- (۱) بزرگ کردن؛ بزرگ‌نمایی کردن  
(۲) حاوی ... بودن  
(۳) آموزش دادن، تعلیم دادن  
(۴) کشف کردن، پی بردن





زمانی که با هم تمرین کردیم، یادگیری چگونه خواندن اعتمادبه‌نفس ماری را بالا برد، که او را به ادامه دادن مطالعاتش تشویق کرد. او شروع به پیشرفتی سریع کرد و حتی توانست با اتوبوس به سوپرمارکت برود. پس از این سفر موفق، او گزارش کرد که چقدر احساس اعتمادبه‌نفس داشت. در پایان برنامه، او شروع به کمک کردن به کوچک‌ترین پسرش، تونی، یک کلاس اولی خجالتی، در خواندنش (تونی) کرد. او (ماری) پیش از این‌که او (تونی) بخوابد کنارش می‌نشست و آن‌ها با هم داستان‌های وقت خواب را می‌خواندند. هنگامی که چشمانش (چشمان تونی) زمانی که او (ماری) می‌خواند از شوق باز می‌شدند، غرور در تمام چهره‌اش (چهره ماری) مشهود بود، و او (ماری) دید که چگونه تلاش زیادش در یادگیری خواندن به ثمر نشسته است.

۹۷ ۲ نویسنده زمانی که آموزشش تمام شد، چه کرد؟

- (۱) او در سوپرمارکت کار کرد.
- (۲) به یک نفر کمک کرد خواندن را بیاموزد.
- (۳) او به مادران تنها کمکی را که لازم داشتند ارائه کرد.
- (۴) او به یک برنامه آموزشی دیگر رفت تا به یک داوطلب سوادآموزی کمک کند.

۹۸ ۴ چرا ماری ابتدا با اتوبوس به سوپر مارکت نمی‌رفت؟

- (۱) زیرا دوست داشت تا سوپرمارکت قدم بزند.
- (۲) زیرا او بسیار دور از ایستگاه اتوبوس زندگی می‌کرد.
- (۳) زیرا او نمی‌توانست هزینه [هزینه] بلیط اتوبوس را بپردازد.
- (۴) زیرا او نمی‌توانست اتوبوس درست را پیدا کند.

۹۹ ۳ ماری چگونه عادت داشت کالاهایی را [که] می‌خواست در سوپرمارکت پیدا کند؟

- (۱) او می‌دانست کالاها در سوپرمارکت در کجا بودند.
- (۲) او از دیگران می‌خواست که او را به مکان درست ببرند.
- (۳) او توانسته بود کالاها را از روی شکل آن‌ها بیابد.
- (۴) او نام کالاها را به یاد می‌آورد.

۱۰۰ ۱ کدام یک از جملات زیر درباره ماری صحیح است؟

- (۱) ماری توانست کارهایی را انجام دهد [که] قبلاً نتوانسته بود انجام دهد.
- (۲) ماری با کمک پسرش توانست داستان‌ها را بخواند.
- (۳) ماری تصمیم گرفت که مطالعاتش را در مدرسه ادامه دهد.
- (۴) ماری برای درس‌های خودش [پول] پرداخت کرد.

### زبان انگلیسی (اختصاصی)

۱۰۱ ۴ برج خیلی بلند بود و من آن‌قدر مضطرب بودم که نتوانستم از

نیمه برج بالاتر بروم.

**توضیح:** به طور کلی، "too" شدت چیزی را نشان می‌دهد و پیش از صفت یا قید حالت قرار می‌گیرد. در صورتی که بخواهیم پس از صفت یا قید حالت از فعل استفاده کنیم این فعل به صورت مصدر با "to" خواهد بود. دقت کنید که "too" معنی «بیش از حد» می‌دهد و زمانی به کار می‌رود که چیزی بیشتر از مقدار انتظار ما وجود داشته باشد. در این‌جا فرد مضطرب‌تر از حدی بوده که بتواند از نیمه برج بالاتر برود.

۱۰۲ ۳ نمی‌توانم بفهمم چرا لوک در تیم بسکتبال ما هست و من نه!

آیا من به خوبی او نیستم؟

**توضیح:** چون در این‌جا قصد مقایسه دو شخص را داریم و کلمه "than" در جمله نیست که بتوانیم صفت تفضیلی را مورد استفاده قرار دهیم، تنها گزینه (۳) قابل استفاده است. این ساختار در واقع برای مقایسه بین چیزهایی که به نوعی با هم دیگر برابری استفاده می‌شود. به زبان ساده‌تر، از این عبارت عموماً برای اشاره به یکسان بودن دو شخص یا چیز در مورد یک صفت یا قید حالت (در این تست "good") استفاده می‌شود.

استیو آوستد در دانشگاه تگزاس [نیز] موافق است. او می‌گوید «مردم می‌توانند بسیار طولانی‌تر از [آن‌چه که] فکر می‌کنیم، زندگی کنند. [در گذشته] متخصصان می‌گفتند که انسان‌ها نمی‌توانند بیشتر از ۱۱۰ [سال] زندگی کنند. وقتی کالمان از آن سن گذشت، آن‌ها این رقم را به ۱۲۰ افزایش دادند. پس چرا نتوانیم بالاتر برویم؟»

مشکل با حدس زدن [این‌که] افراد مسن چقدر می‌توانند عمر کنند، این است که تمام آن فقط حدس است. ریچ میبلر در دانشگاه میشیگان می‌گوید «هر کس می‌تواند یک عدد برآورد کند. معمولاً دانشمندی که بالاترین عدد را انتخاب می‌کند، نامش در مجله تایم [به چاپ] می‌رسد.»

آیا تکنیک‌های جدید ضد پیری ما را قرن‌ها زنده نگه نمی‌دارد؟ میبلر می‌گوید «هر درمانی برای پیر شدن احتمالاً بیشتر ما را تا حدود ۱۲۰ [سالگی] زنده و فعال نگه می‌دارد.» میبلر می‌گوید «محققان در حال کار روی درمان‌هایی هستند که طول عمر موش‌ها را حداکثر تا ۵۰ درصد افزایش دهند. بنابراین، اگر طول عمر متوسط انسان حدود ۸۰ سال است، [با] افزودن ۵۰ درصد دیگر، شما را به ۱۲۰ [سالگی] می‌رساند.»

۹۳ ۱ داستان ژان کالمان چه چیزی را به ما اثبات می‌کند؟

- (۱) انسان‌ها می‌توانند بیش از ۱۲۰ سال زندگی کنند.
- (۲) افراد پیر به اندازه هر زمانی در گذشته خلاق هستند.
- (۳) زنان حتی در سن ۸۵ [سالگی] اهل ورزش هستند.
- (۴) زنان طولانی‌تر از مردان زندگی می‌کنند.

۹۴ ۴ به گفته استیو آوستد در دانشگاه تگزاس .....

- (۱) طول عمر متوسط انسان می‌تواند ۱۱۰ [سال] باشد
- (۲) دانشمندان نمی‌توانند روش‌هایی را برای کند کردن پیری بیابند
- (۳) افراد اندکی می‌توانند انتظار داشته باشند تا بالای ۱۵۰ [سالگی] زندگی کنند
- (۴) پژوهشگران مطمئن نیستند انسان‌ها می‌توانند چه مدت زندگی کنند

۹۵ ۳ کلمه "they" در پاراگراف ۴ به "experts" اشاره دارد.

- (۱) انسان‌ها
- (۲) افراد، مردم
- (۳) متخصصان
- (۴) شی و آوستد

۹۶ ۳ چه کسی [با این دیدگاه] موافق خواهد بود که اگر یک

دانشمند بی‌حساب و کتاب‌ترین حدس را در مورد عمر طولانی بزند، وی معروف خواهد شد؟

- (۱) جری شی
- (۲) استیو آوستد
- (۳) ریچ میبلر
- (۴) ژان کالمان

تابستان پیش من یک برنامه آموزشی را طی کردم و یک داوطلب سوادآموزی شدم. با این وجود، آموزشی که دریافت کردم، اگرچه فوق‌العاده [بود]، به من نشان نداد که کار کردن با یک دانش‌آموز واقعی چگونه بود. وقتی شروع به درک [این موضوع] کردم که زندگی دیگر افراد به خاطر این‌که آن‌ها نمی‌توانستند بخوانند چگونه بود، اهمیت واقعی خواندن را درک کردم.

اولین دانش‌آموز من، ماری، یک مادر ۴۴ ساله تنهای [دارای] سه [فرزند] بود. در اولین درس، فهمیدم که او هفته‌ای دو بار دو مایل را تا نزدیک‌ترین سوپرمارکت پیاده می‌رود چرا که نمی‌دانست سوار کدام اتوبوس شود. وقتی به او گفتم [که] برای او یک برنامه زمان‌بندی [حرکت] اتوبوس را خواهیم گرفت، به من گفت که آن کمکی نخواهد کرد، زیرا او نخواهد توانست آن را بخواند. او گفت هنگامی که به سوپرمارکت می‌رسد نیز دشواری دارد زیرا همیشه نمی‌توانست به یاد داشته باشد که چه چیزی لازم داشت. از آن‌جایی که او کلمات را نمی‌دانست، نمی‌توانست یک فهرست خرید بنویسد. هم‌چنین، او تنها می‌توانست اقلام را با دیدن [آن‌ها] شناسایی کند، پس اگر محصول یک برج‌سب متفاوت داشت، نمی‌توانست آن را به عنوان محصولی که می‌خواست بشناسد.



۱۰۹ ۲ وقتی شش سال داشتیم پیانو می‌زدیم، اما دیگر به موسیقی علاقه‌ای ندارم.

**توضیح:** با توجه به این‌که "no" و مشتقات آن (مانند "no more" و "no longer") همراه فعل مثبت به کار می‌روند تا به جمله معنای منفی دهند ولی فعل جمله خودش منفی است، گزینه‌های (۱) و (۳) به راحتی حذف می‌شوند. گزینه (۴) نیز از نظر معنایی صحیح نیست چرا که از قید "yet" در عبارات منفی و سؤالی استفاده می‌کنیم، علی‌الخصوص وقتی زمان جمله کامل باشد تا نشان دهیم چیزی تا زمان مشخصی هنوز انجام نگرفته است.

۱۱۰ ۲ منطقی نیست که از پسران انتظار داشته باشید چنین معمای پیچیده‌ای را حل کند. پازل‌ها برای بچه‌ها خیلی سخت است.

**توضیح:** در صورتی‌که بخواهیم پس از "too" از مفعول استفاده کنیم باید پیش از مفعول حرف اضافه "for" را به کار ببریم.

۱۱۱ ۳ با این‌که در دقایقی [از مسابقه] عقب مانده بود، در نیمه دوم مسابقه در حفظ کردن برتری خود موفق شد.

- (۱) گرفتن (۲) شخصی سازی کردن  
(۳) حفظ کردن (۴) به یاد آوردن

۱۱۲ ۱ این قسمت برای خرید یک قطعه زمین عالی است. روستای اطراف بسیار حاصلخیز است و مقادیر زیادی برنج و هم‌چنین ذرت هندی، تنباکو، شکر، قهوه و میوه‌های بسیار متنوع تولید می‌کند.

- (۱) حاصلخیز (۲) دلسوز  
(۳) وحشتناک (۴) مراقب

۱۱۳ ۴ با وجود این‌که رستوران تحت مدیریت جدید است، [اما] این [امر] هیچ تأثیری در کاهش کیفیت غذا و خدمات نداشته است.

- (۱) نتیجه‌گیری کردن (۲) مقایسه کردن  
(۳) علاقه‌مند ساختن (۴) کاهش دادن، کم کردن

۱۱۴ ۲ بالاخره زنی را که می‌خواست پیدا کرده بود و خیلی زود [حضور او] برایش آن قدر ضروری [شده] بود که بی او بودن عذایی بود.

- (۱) هدیه (۲) عذاب  
(۳) گالری (۴) تسخر

۱۱۵ ۳ این مدرسه دارای درصد بالایی از دانش‌آموزان رفت‌وآمدکننده است و دارای یک برنامه بزرگ آموزش از راه دور است.

- (۱) اخلاقی (۲) بی‌ادب  
(۳) رفت‌وآمدکننده (۴) جمعی

۱۱۶ ۳ الکس هر چیزی را که در توان داشت انجام می‌داد تا تمام تجربیات یک مادر طبیعی را برای او فراهم کند.

- (۱) ادامه دادن (۲) اعتراف کردن  
(۳) فراهم کردن (۴) رها کردن

۱۱۷ ۱ دوست ندارم چیزی بیدارم کند، چون به من سردرد می‌دهد. فکر می‌کنم زنگ‌های هشدار به صورت صوت نیز است.

- (۱) تیز (۲) دو برابر  
(۳) صاف (۴) ملایم

۱۱۸ ۲ همه او را دوست داشتند، زیرا او سربازی شجاع و بزرگ بود که در مواجهه با دشمنی و مخالفت بسیار زیاد فرار نمی‌کرد.

- (۱) غافلگیر کردن (۲) فرار کردن  
(۳) مقابله کردن (۴) ضبط کردن

۱۰۳ ۴ دیشب در فروشگاهی بودم و دیدم یک مشتری به مدیر شکایت می‌کند. هر چه مشتری بیشتر شکایت می‌کرد، مدیر بی ادب‌تر و ناخوشایندتر می‌شد.

**توضیح:** در صورتی‌که بخواهیم بگوییم دو صفت به نسبت برابر با هم تغییر می‌کنند، در ابتدای دو بند جمله صفت را به صورت تفضیلی و به همراه حرف تعریف "the" مورد استفاده قرار می‌دهیم. در این تست، با توجه به معنی جمله و کاربرد "the more" در ابتدای جمله متوجه می‌شویم که با این ساختار سروکار داریم و بند دوم را هم با صفت تفضیلی به همراه حرف تعریف "the" شروع می‌کنیم.

۱۰۴ ۱ خوبی کار جدید من این است که مقداری پول بیشتر می‌گیرم، البته نه خیلی بیشتر از قبل.

**توضیح:** با توجه به این‌که قبل از جای خالی "a" وجود دارد، پاسخ در بین گزینه‌های (۱) و (۳) است. بین گزینه‌های (۱) و (۳) گزینه (۱) معنای جمله را بهتر کامل می‌کند، چرا که طبق معنی جمله میزان افزایش حقوق فقط اندکی بیشتر است.

۱۰۵ ۲ اگرچه والدین آلوین اغلب به او گفته بودند که اخلاق خوب مهم است، [اما] یک بار او تصمیم گرفت از بانک سرقت کند.

**توضیح:** در جملاتی که هم دارای فعل اصلی هستند (در این مورد "told") و هم فعل کمکی (در این مورد "had") معمولاً قیدهای تکرار مانند "often" بین فعل کمکی و فعل اصلی قرار می‌گیرند. البته در بیشتر موارد می‌توان قید تکرار را برای تأکید به ابتدای جمله نیز منتقل کرد.

۱۰۶ ۴ نوشیدن زیاد قهوه خوب نیست. فقط یازده است و تو از صبحانه تا حالا دو تا قهوه نوشیده‌ای.

**توضیح:** به همراه فعل در زمان حال کامل از قید "already" به معنای «قبلاً، تا حالا» استفاده می‌کنیم تا بگوییم عمل تا زمان بیان فعل اتفاق افتاده است. اما قید "still" معمولاً به همراه زمان‌های استمراری کاربرد دارد و زمانی استفاده می‌شود که عمل یا موقعیتی تا زمان حال ادامه داشته است و هنوز تمام نشده است. قید "yet" نیز به همراه حال کامل ولی در جملات منفی و سؤالی قابل استفاده است تا نشان دهیم چیزی تا زمان مشخصی هنوز انجام نگرفته است. قید "yet" معمولاً در انتهای جمله می‌آید.

۱۰۷ ۱ چرا از این فرصت برای خرید یک آپارتمان فوق‌العاده در سن مانیل استفاده نمی‌کنید؟ این‌ها آپارتمان‌های واقعاً مجللی هستند که در این ساحل باشکوه قرار گرفته‌اند.

**توضیح:** قیدهای کمی قبل از صفت یا قید دیگری قرار می‌گیرند و آن را توصیف می‌کنند. با توجه به معنی جمله می‌توان فهمید که ما به قیدی نیاز داریم که بیشترین کمیت را نشان دهد که جواب درست گزینه (۱) است.

۱۰۸ ۳ هنوز شغلی پیدا نکردم. مشکل این‌جاست که شغل کافی وجود ندارد و افراد زیادی به دنبال شغل هستند.

**توضیح:** به‌طور کلی، "too" و "enough" شدت چیزی را نشان می‌دهند و برای توصیف صفت، قید حالت و در مورد "enough" اسم به کار می‌روند. "too" معنی «بیش از حد» می‌دهد و زمانی به کار می‌رود که چیزی بیشتر از مقدار نیاز ما وجود داشته باشد. "enough" نیز معنی «کافی» می‌دهد و برای مواقعی استفاده می‌شود که مقدار کافی از چیزی وجود داشته باشد. پس با توجه به قسمت دوم جمله که بیان می‌کند مردم زیادتر از حد انتظار به دنبال کار هستند، برای تکمیل معنای جمله باید گفته شود کار به اندازه کافی وجود ندارد.



**توضیح:** ما از قید "already" به معنای «قبلاً، از قبل» زمانی استفاده می‌کنیم که چیزی زودتر از موقعی که انتظار می‌رفت، اتفاق افتاده باشد. قید "still" زمانی استفاده می‌شود که عمل یا موقعیتی تا زمان حال ادامه داشته است و هنوز تمام نشده است. اما ما از قید "yet" در عبارت‌های منفی و سؤالی استفاده می‌کنیم، علی‌الخصوص وقتی زمان جمله کامل باشد تا نشان دهیم چیزی تا زمان مشخص هنوز انجام نگرفته است. قید "yet" معمولاً در انتهای جمله می‌آید. "too" در زمانی به کار می‌رود که مفهوم «بیش از حد» در میان باشد؛ بیشتر از آن چه نیاز داریم، بیشتر از آن چه می‌خواهیم، یا بیشتر از آن چه مجاز است. به همین خاطر، "too" نوعی مفهوم منفی همراه خود دارد. معنای "SO"، همان «خیلی» است که بسیاری از زبان‌آموزان هم به خوبی از آن استفاده می‌کنند. در این جا معادل انگلیسی "SO" همان "extremely" است، یعنی چیزی خیلی بالاتر از "very". توجه داشته باشید که "any longer" در آخر جمله قرار می‌گیرد و باید "not" در جمله حضور داشته باشد. اما عبارت "no longer" در وسط جمله قرار می‌گیرد.

**۱۲۸** ۲ از این که آخر هفته گذشته پذیرای ما بودید متشکریم. اوقات خوشی را در روستا داشتیم و حدود ساعت هشت به سلامت به خانه رسیدیم. قبل از این که خیلی بگذرد باید بیایید و به ما سر بزنید.  
**توضیح:** توجه داشت باشید که معمول‌ترین جایگاه قید در جمله بعد از فعل است و اغلب در آخر جمله به کار می‌رود. از هر دو کلمه "so" و "such" می‌توانیم برای بیان یک معنی و مفهوم استفاده کنیم و همچنین باید توجه داشته باشیم که قبل از "so" حرف تعریف "a" نباشد.

**۱۲۹** ۴ خوشیخانه رئیس جدید من به اندازه رئیس قبلی من، خانم کراسلی، بی‌ادب نیست. من از او متنفر بودم. او غیرصمیمی‌ترین فردی بود که تا به حال دیدم. این جا همه از من بزرگتر هستند.  
**توضیح:** برای نشان دادن کمتر یا بیشتر بودن در مقایسه بین دو چیز از "less" استفاده می‌کنیم. اما برای بیان کم‌ترین چیز از "least" بهره می‌گیریم. برای مقایسه بین چیزهایی که به نوعی با همدیگر برابرند از ساختار گرامری "as...as" استفاده می‌کنیم. "elder" و "eldest" بیشتر برای نزدیکان استفاده می‌شوند که بزرگ‌تر و ارشد فامیل و خاندان هستند. اما در مورد "older" یا "oldest" از خانواده "old" به معنی پیر و فرسوده هستند و می‌توانند هم برای اشیاء و هم برای انسان‌ها به کار برده شوند. یک نکته خیلی مهم این که برخلاف "older" هیچوقت بعد از "elder" از "than" استفاده نمی‌شود.

**۱۳۰** ۱ من واقعاً این بازی را دوست ندارم. به نظر من انتقال شش کارت بین چند نفر احمقانه است. من دیگر دوست ندارم با آن پسرها بازی کنم.  
**توضیح:** وقتی "really" قبل از صفت یا قید قرار می‌گیرد به معنی «بسیار یا خیلی» است اگر "really" در جای دیگری از جمله قرار گیرد معمولاً به معنی «واقعاً» است. "fairly" یک قید اندازه و درجه است و عموماً صفت و قید را تعدیل و تعریف می‌کند. به معنی «نسبتاً، تقریباً» می‌باشد. "quite" درجه بالاتری از "fairly" را نشان می‌دهد و به معنای «کاملاً» می‌باشد. اما "rather" قوی‌تر از "quite" است، و ایده‌هایی را ارائه می‌دهد که بیشتر از حد معمول است، بیشتر از انتظار یا بیشتر از خواستن است و به معنی «نسبتاً و تقریباً» می‌باشد ولی معمولاً بار معنایی منفی دارد. "pretty" شبیه به "rather" به معنی نسبتاً زیاد می‌باشد. توجه کنید که قبل هیچ‌کدام از این قیدها a وجود ندارد. توجه داشته باشید که "any more" و "any longer" در آخر جمله قرار می‌گیرند. در بیشتر موارد "no more" مثل "any more" آخر جمله می‌آید و تفاوتش با "any more" این است که فعل شما مثبت است و "not" ندارد.

**۱۱۹** ۴ او دائماً با او داشتن سایر افراد برای انجام دادن کارهایی برایش از موقعیت خود سوء استفاده می‌کند.

۱ قالب‌بندی کردن (۲) نمایش دادن  
۳ اصرار کردن (۴) سوء استفاده کردن از  
**۱۲۰** ۱ مطمئن نبود [که] چرا سینه‌اش آن قدر گرفته بود که مانع تنفسش شده بود، در حالی که چشمانش اشک می‌ریخت.

۱ مانع شدن (۲) نمایان کردن  
۳ ساکن شدن (۴) رضایت دادن  
**۱۲۱** ۱ چند دقیقه بعد از تصادف هاوی او را دیدم. اولش نمی‌تونستم زمزمه‌هایش را بفهمم، ولی بعدش واضح‌تر شد.

۱ زمزمه (۲) اعتراض  
۳ شکنجه (۴) قحطی  
**۱۲۲** ۳ احساس تعصب نسبت به یک شخص صرفاً به دلیل رنگ پوست او یا عقاید شخصی او غیرمنطقی است.

۱ راضی (۲) رنج  
۳ تعصب (۴) طعمه  
**۱۲۳** ۲ هر کس کاری انجام می‌داد، بسیاری از ایرانیان خرید اوراق قرضه برای حمایت از چالش جنگ را وظیفه میهن‌پرستانه خود می‌دانستند.

۱ کشنده (۲) میهن‌پرستانه  
۳ شدید (۴) بدجنس؛ پست‌فطرت  
**۱۲۴** ۳ هرگز نباید وفاداری یا انگیزه‌های لئو را زیر سؤال ببرید؛ منشور اخلاقی او و نحوه زندگی او واقعاً بر اساس آن‌ها را به یاد داشته باشید.

۱ خیانت (۲) اعتراف  
۳ وفاداری (۴) هدف  
**۱۲۵** ۴ برای اطمینان از رطوبت کافی، هر لوله حاوی یک توده کوچک پنبه مرطوب بود و با پشم پنبه مرطوب پیچیده شده با توری ظریف بسته شده بود.

۱ وان (۲) گچ  
۳ پرونده (۴) توده  
**۱۲۶** ۱ متأسفانه دیگر مثل چند هفته پیش خوش‌بین نیستیم. در واقع، کمی از یافتن شغل احساس افسردگی می‌کنم.

**توضیح:** توجه داشته باشید که "any longer" در آخر جمله قرار می‌گیرد و چون طبق معنی جمله، به فعل منفی نیاز داریم و خود "any longer" نمی‌تواند مفهوم جمله را منفی کند، پس در صورت کاربرد آن، بعد از فعل اصلی به "not" نیاز داریم. اما "no longer" بعد از فعل اصلی قرار می‌گیرد و چون خودش جمله را از نظر معنایی منفی می‌کند، کاربرد "not" به همراه آن نادرست است. "not longer" هم که اساساً دارای ساختار گرامری صحیحی نیست.

برای مقایسه بین چیزهایی که به نوعی با همدیگر برابرند از ساختار گرامری "as...as" استفاده می‌کنیم، اما اگر خواستیم در یک جمله دو اسم را مقایسه کنیم و برتری یکی را بر دیگری نشان دهیم از صفت تفضیلی استفاده می‌کنیم. برای گفتن این که مقدار کافی از چیزی وجود دارد، از "enough" بعد از صفت استفاده می‌کنیم که در این جمله از نظر معنایی کاربرد ندارد.

**۱۲۷** ۳ می‌دانم که هنوز وقت ناهار نرسیده است، اما آن قدر گرسنه هستم که نمی‌توانم منتظر بمانم تا مرغ سرخ‌شده از فر بیرون بیاید. دیگر نمی‌توانم صبر کنم.



۲ ۱۳۵

- (۱) سختی را با شجاعت تحمل کردن  
(۲) گند زدن  
(۳) دست از کار کشیدن  
(۴) از کنترل خارج شدن

۱ ۱۳۶

- (۱) داد و بیداد کردن  
(۲) به رختخواب رفتن  
(۳) فرصت را از دست دادن  
(۴) سر کار گذاشتن

۳ ۱۳۷

- (۱) پرخوری کردن  
(۲) واقع بین شدن  
(۳) به زندگی خود نظم دادن  
(۴) موفق باشید

A: آیا می توانم امشب در خانه شما بمانم؟ پدرم من را سخت تنبیه کرد.

به من گفت از خانه برو بیرون و دیگر برنگرد!

B: دوباره چکار کردی؟ داری آن مرد بیچاره را دیوانه می کنی.

A: او متوجه شد که من اخیراً مواد مخدر می فروشم. و وقتی از من خواست که این چیزها را رها کنم، به او گفتم که می خواهم با این کار امرار معاش کنم.

B: فروش مواد مخدر؟! دیوانه ای؟ چگونه می توانی چنین کار وحشتناکی را با دیگران انجام دهی؟

A: پدرم همیشه کار می کند و من وقتی تلف می کنم، من احساس بی ارزشی می کنم.

B: و فروش مواد مخدر راه حل است؟ دست از مورد تمسخر قرار دادن خودت بردار. همه مواد را دور بریز و برو از پدرت عذرخواهی کن.

A: حق با شماست. خرابکاری کردم. من مطمئن نیستم که پدرم مرا ببخشد، اما من تسلیم نخواهم شد. من می روم و بارها و بارها عذرخواهی می کنم.

B: این خوب است. و دست از اذیت کردن آن پیرمرد بیچاره بردار. وبال گردن نباش!

۱ ۱۳۸

- (۱) کسی را سخت تنبیه کردن  
(۲) خلاصه گفتن  
(۳) تسلیم نشدن  
(۴) میان بُر زدن، دور زدن قوانین

۳ ۱۳۹

- (۱) دادگرانه و درستکارانه  
(۲) مواظب باش  
(۳) امرار معاش کردن  
(۴) از اضطراب رها شدن

۲ ۱۴۰

- (۱) کمک کردن  
(۲) تسلیم شدن  
(۳) خوشحال بودن؛ از ناراحتی در آوردن  
(۴) واقع بین بودن

A: من یک ماه است که ریچارد را ندیده ام. تلفنش را جواب نمی دهد. می دونی کجاست؟

B: خانه او ماه قبل آتش گرفت. هر چه داشت از دست داد. حالش خوب نیست.

A: جدی می گی؟ بیچاره ریچارد. دلم برایش سوخت. او الان چه کار می کند؟ او کجا زندگی می کند؟B: او با پدر و مادرش زندگی می کند. او تمام تلاش خود را می کند تا خانه اش را بازسازی کند. هفته قبل به خانه اش رفتم. او سخت روی خانه کار می کرد.

A: بیا بعد از کلاس برویم و به او سر بزنیم تا ببینیم آیا او به کمک نیاز دارد یا نه.

B: باشه، اما باید لاپوشانی کنی. او نمی خواهد بچه های کالج از اتفاقی که برای خانه اش افتاده است بدانند.

A: حتماً. این راز را حفظ می کنم. من نمی خواهم ریچارد برای پخش کردن اخبار خانه اش من را مقصر بداند. اما اگر کسی در مورد او پرسید چه باید بگوییم؟

B: می توانیم بگوییم مریض است!

۲ ۱۳۱

- (۱) بروز دادن احساسات  
(۲) دل شخصی برای کسی سوختن  
(۳) دهن لقی کردن  
(۴) روی اعصاب کسی راه رفتن

۴ ۱۳۲

- (۱) استراحت کردن  
(۲) امرار معاش کردن  
(۳) آسوده تر  
(۴) سخت کار کردن

۱ ۱۳۳

- (۱) لاپوشانی کردن  
(۲) کم خوراک بودن  
(۳) مثل سنگ محکم بودن  
(۴) رئیس خانواده بودن

۴ ۱۳۴

- (۱) روز کسی را ساختن  
(۲) در ارتباط بودن  
(۳) به تعویق انداختن  
(۴) کسی را مقصر دانستن

A: من دیگر به آن فروشگاه قنادی نمی روم. من کارم را رها کردم.

B: چرا؟ مشکل چیست؟

A: من گند زدم و یک توله یکی از مشتریان را خراب کردم. رئیس من واقعاً عصبانی شد.

B: خیلی بد است. او تو را اخراج کرد؟

A: نه، او این کار را نکرد. اما خجالت می کشم دوباره آنجا حاضر شوم. مشتری برای نیم ساعت سر رئیس داد و بیداد می کرد.

B: متوجهم که حتماً وضعیت پیچیده ای بوده است. رئیس تو واقعاً مرد خوبی است. او چه کار کرد؟

A: او از آن مرد عذرخواهی کرد و یک کیک تولد رایگان به او داد.

B: متوجهم که این یک تجربه بسیار بد برای تو بود، اما تو باید به زندگی خود نظم دهی و سخت تر کار کنی. من مطمئن هستم که تو می توانی اشتباه خودت را جبران کنی.



۲ ۱۴۴

- (۱) شادی  
(۲) ناراحتی  
(۳) طوفان  
(۴) برنامه‌ریزی

۲ ۱۴۵

**توضیح:** چون "stress" غیرقابل شمارش است، پیش از آن می‌توانیم از "much" استفاده کنیم، نه "many". برای بیان مقدار زیاد و ناخوشایند از "too much" استفاده می‌شود.

۴ ۱۴۶

- (۱) نرخ  
(۲) درخشش  
(۳) [دانشگاه] پردیس  
(۴) رگ

۱ ۱۴۷

- (۱) نشان دادن  
(۲) اندازه‌گیری کردن  
(۳) تکرار کردن  
(۴) ادامه دادن

۳ ۱۴۸

**توضیح:** "too" در زمانی به کار می‌رود که مفهوم «بیش از حد» در میان باشد؛ بیشتر از آن چه نیاز داریم، بیشتر از آن چه می‌خواهیم، یا بیشتر از آن چه مجاز است. به همین خاطر، "too" نوعی مفهوم منفی همراه خود دارد. معنای "so"، همان «خیلی» است که بسیاری از زبان‌آموزان هم به خوبی از آن استفاده می‌کنند. در این‌جا معادل انگلیسی "so" همان "extremely" است، یعنی چیزی خیلی بالاتر از "very". از هر دو کلمه "so" و "such" می‌توانیم برای بیان یک معنی و مفهوم استفاده کنیم، ولی باید حواسمان باشد ساختار گرامری آن‌ها با هم متفاوت است. همراه با "such" از یک عبارت اسمی استفاده می‌کنیم، ولی همراه با "so" یک قید حالت یا صفت به کار برده می‌شود. برای مقایسه بین چیزهایی که به نوعی با هم‌دیگر برابری از ساختار گرامری "as...as" استفاده می‌کنیم.

۲ ۱۴۹

- (۱) عالی  
(۲) آسیب‌پذیر  
(۳) قابل توجه  
(۴) قبلی

۱ ۱۵۰

**توضیح:** برای معرفی جمله‌واره‌های موصولی از ضمائر موصولی (مثل "which" در این تست) استفاده می‌کنیم که اطلاعات بیشتری در خصوص افراد و اشیاء به ما می‌دهند.

۳ ۱۵۱

**توضیح:** با توجه به این‌که برای تکمیل معنای جمله نیاز به قید حالت داریم و تنها قید حالت موجود گزینه (۳) است، این گزینه را انتخاب می‌کنیم.

۴ ۱۵۲

- (۱) بارور  
(۲) صدای خیلی زیر  
(۳) وفادار  
(۴) مضطرب، نگران

۴ ۱۵۳

- (۱) غفلت کردن  
(۲) جذب کردن  
(۳) پرسه زدن  
(۴) اغراق کردن

۱ ۱۵۴

- (۱) انواع  
(۲) نمایشگاه  
(۳) اکثریت  
(۴) سالانه

۳ ۱۵۵

- (۱) شگفت‌زده  
(۲) آزادشده  
(۳) محدود  
(۴) آرزو

یک تعبیر معروف در انگلیسی وجود دارد: «دنیا را متوقف کنید، می‌خواهم پیاده شوم!» این عبارت به احساس وحشت یا استرس اشاره دارد که باعث می‌شود فرد بخواهد هر کاری را که انجام می‌دهد متوقف کند، سعی کند آرام شود و خود را آرام کند. «استرس» به معنای فشار یا تنش است. باعث ناراحتی می‌شود و یکی از شایع‌ترین علل مشکلات سلامتی در زندگی مدرن است. استرس زیادی منجر به مشکلات جسمی، عاطفی و روانی می‌شود. استرس اثرات فیزیکی زیادی دارد. استرس می‌تواند بر قلب تأثیر بگذارد. این می‌تواند ضربان نبض را افزایش دهد که اگر انگشت خود را روی رگ خود قرار دهید می‌توانید آن را احساس کنید. همچنین می‌تواند باعث شود قلب تپش‌هایی را از دست بدهد و می‌تواند باعث فشار خون بالا شود. استرس زیاد نشان می‌دهد که مشکلی در فرد وجود دارد. استرس می‌تواند بر سیستم تنفسی تأثیر بگذارد. می‌تواند منجر به آسم شود. می‌تواند باعث شود که فرد خیلی سریع نفس بکشد و در نتیجه دی‌اکسید کربن مهمی را از دست بدهد. استرس می‌تواند معده را تحت تأثیر قرار دهد و آن را آسیب‌پذیر کند، می‌تواند باعث درد معده و مشکلات هضم غذا شود. اینها تنها چند نمونه از طیف گسترده‌ای از بیماری‌ها و علائم ناشی از استرس هستند. احساسات نیز به راحتی تحت تأثیر استرس قرار می‌گیرند. افرادی که از استرس رنج می‌برند اغلب احساس اضطراب می‌کنند. ممکن است حملات پانیک داشته باشند. آن‌ها ممکن است همیشه احساس خستگی کنند. وقتی افراد تحت استرس هستند، اغلب نسبت به مشکلات کوچک بیش از حد واکنش نشان می‌دهند و در مورد آن‌ها اغراق می‌کنند. به عنوان مثال، والدینی که معمولاً ملایم هستند و تحت استرس زیادی در محل کار قرار دارند، ممکن است سر فرزندشان فریاد بزنند که یک لیوان آب میوه را انداخته است. استرس می‌تواند افراد را عصبانی، بداخلاق یا عصبی کند. استرس طولانی‌مدت می‌تواند منجر به انواع بیماری‌های روانی جدی شود. افسردگی، یک احساس شدید غمگینی و ناامیدی، می‌تواند نتیجه استرس مداوم و فزاینده باشد. اعتیاد به الکل و سایر اعتیادها اغلب در نتیجه مصرف بیش از حد الکل یا مواد مخدر برای کاهش استرس ایجاد می‌شود. باید به روانشناس مراجعه کنید و آن را درمان کنید. اگر برای مدت طولانی ادامه پیدا کند، ممکن است احساس کنید که محدود به این بیماری هستید.

۴ ۱۴۱

- (۱) التماس کردن به؛ [روح] احضار کردن  
(۲) تردید کردن  
(۳) تمجید کردن  
(۴) اشاره داشتن

۳ ۱۴۲

**توضیح:** در بین گزینه‌ها تنها از ضمیر موصولی "which" می‌توان به عنوان ضمیر موصولی فاعلی برای غیرانسان (عبارت پیش از جای خالی) استفاده کرد.

۱ ۱۴۳

- (۱) آرام کردن  
(۲) جیغ زدن، فریاد زدن  
(۳) بیرون آوردن  
(۴) دریافت کردن



۱۵۷ ۳ کدام یک از موارد زیر به بهترین صورت توضیح می‌دهد که رودخانه یخ‌زده چگونه می‌تواند باعث سیل شود؟  
 (۱) یخ رودخانه خیلی سریع آب می‌شود و باعث سیل می‌شود.  
 (۲) یخ در رودخانه می‌شکافتد و باعث سرریز آب می‌شود.  
 (۳) یخ موجود در رودخانه تکه‌تکه می‌شود که در نهایت سدی ایجاد می‌کند [و] باعث سرریز آب می‌شود.  
 (۴) آب پشت سد یخ جمع می‌شود و وقتی سد می‌شکند باعث جاری شدن سیل در بالادست می‌شود.

۱۵۸ ۲ سد ساخت بشر شکسته با چه چیزی مقایسه می‌شود؟  
 (۱) سونامی  
 (۲) موج جزر و مدی  
 (۳) سد یخ شکسته  
 (۴) سرریز

۱۵۹ ۲ سد با رها شدن از سد شکسته چقدر می‌تواند طی کند؟  
 (۱) کمتر از ۱۰ کیلومتر  
 (۲) ده‌ها کیلومتر  
 (۳) هزاران کیلومتر  
 (۴) ده‌ها هزار کیلومتر پایین دست

۱۶۰ ۴ کلمه "occur" (اتفاق افتادن، رخ دادن) در سطر ۱ از لحاظ معنایی به ..... نزدیک‌ترین است.  
 (۱) ظاهر شدن  
 (۲) ناپدید شدن  
 (۳) منفجر شدن  
 (۴) اتفاق افتادن

ادی نصاب موکت بود و از آن متنفر بود. به مدت ده سال او روزهای خود را در حال نشستن، چمباتمه زدن، زانو زدن یا خزیدن بر روی زمین، در خانه‌ها، ادارات، مغازه‌ها، کارخانه‌ها و رستوران‌ها سپری کرده بود. وقتی کار او تمام می‌شد، هیچ‌کس هرگز از آن قدردانی نمی‌کرد. هیچ‌کس هرگز نمی‌گفت: «اوه، این کار زیبایی است، موکت خیلی مرتب اندازه [شده] است.» ادی از آن بدش می‌آمد.  
 او مخصوصاً در این روز گرم [و] مرطوب در ماه اوت در حالی که بر روی نصب آخرین ریزه‌کاری‌های کار امروز کار می‌کرد از آن بدش می‌آمد. او دقیقاً در حال بریدن و درست کردن آخرین لبه موکت قرمز بزرگی بود که در اتاق نشیمن خانه خانم ونبروگ گذاشته بود. خانم ثروتمند ونبروگ، که حتی یک فنجان چای در تمام روز به او نداده بود، و وقتی می‌خواست سیگار بکشد، او را مجبور به بیرون رفتن کرد.

ادی عقب نشست و آهی کشید. کار تمام شد و زمان آخرین سیگار فرا رسید. او شروع به ضربه زدن به جیب‌های لباس کارش کرد [و] به دنبال بسته جدیدی از مارلبرو بود [که] آن روز صبح خریده بود. آن‌ها آن‌جا نبودند. موقع چرخیدن [به سمت] جعبه‌ابزارش برای گشتن دنبال سیگارهایش بود که ادی توده را دید. درست در وسط موکت قرمز روشن کاملاً نو، یک توده وجود داشت. یک توده بسیار قابل مشاهده. یک توده به اندازه یک پاکت سیگار. ادی با عصبانیت گفت: «لعنتی! دوباره این کار را کردم! سیگارها را زیر موکت لعنتی جا گذاشتم!»

او قبلاً یک بار این کار را انجام داده بود و برداشتن و نصب مجدد موکت دو ساعت طول کشید. ادی مصمم بود که قصد نداشت دو ساعت دیگر را در این خانه بگذراند. او تصمیم گرفت به روش دیگری از شر این توده خلاص شود. او به سراغ جعبه ابزار خود رفت تا یک چکش بزرگ پیدا کند.

ادی چکش را در دست گرفت و به توده موکت نزدیک شد. او نمی‌خواست به خود موکت آسیب برساند، بنابراین یک تکه چوب برداشت و آن را روی توده گذاشت. سپس با تمام شدتی که می‌توانست شروع کرد به کوبیدن تکه چوب.

سیل‌ها تنها پس از آتش‌سوزی به عنوان رایج‌ترین بلایای طبیعی در رتبه دوم قرار دارند. آن‌ها تقریباً در همه جای دنیا رخ می‌دهند و منجر به آسیب‌های گسترده و حتی مرگ می‌شوند. در نتیجه، دانشمندان مدت‌ها تلاش کرده‌اند تا توانایی خود را در پیش‌بینی سیل‌ها کامل کنند. تاکنون بهترین کاری که دانشمندان می‌توانند انجام دهند این است که پتانسیل وقوع سیل را در شرایط خاص تشخیص دهند. شرایط مختلفی وجود دارد، از برف عمیق روی زمین گرفته تا خطای انسانی، که باعث سیل می‌شود.

هنگامی که برف عمیق ذوب می‌شود، مقدار زیادی آب ایجاد می‌کند. اگرچه برف عمیق به تنهایی به ندرت باعث سیل می‌شود، اما زمانی که همراه با باران شدید و هوای گرم‌تر ناگهانی رخ می‌دهد، می‌تواند منجر به سیل جدی شود. اگر ذوب سریع برف در بالای زمین یخ‌زده یا خیلی مرطوب وجود داشته باشد، احتمال وقوع سیل بیشتر از زمانی است که زمین یخ‌زده نباشد. زمین یخ‌زده یا زمینی که بسیار مرطوب است و از قبل با آب اشباع شده است، نمی‌تواند آب اضافی ایجادشده توسط ذوب برف را جذب کند. آب شدن برف هم‌چنین به افزایش سطح آب در رودخانه‌ها و نهرها کمک می‌کند. هر زمان که رودخانه‌ها تا همان موقع به ظرفیت کامل آب خود رسیده باشند، باران‌های شدید منجر به طغیان رودخانه‌ها و جاری شدن سیل در زمین‌های اطراف می‌شود.

رودخانه‌هایی که پوشیده از یخ هستند نیز می‌توانند منجر به سیل شوند. زمانی که یخ شروع به ذوب شدن می‌کند، سطح یخ می‌شکافتد و به قطعات بزرگ تبدیل می‌شود. این تکه‌های یخ حرکت می‌کنند و در رودخانه شناور می‌شوند. آن‌ها می‌توانند یک سد در رودخانه تشکیل دهند و باعث بالا آمدن آب پشت سد و سیل در زمین بالادست شوند. اگر سد به طور ناگهانی بشکند، مقدار زیادی آب نگه داشته‌شده در پشت سد می‌تواند مناطق پایین دست را نیز دچار سیل کند.

سدهای یخ شکسته تنها مشکلات سدی نیستند که می‌توانند باعث سیل شوند. هنگامی که یک سد بزرگ ساخت بشر شکسته می‌شود یا نمی‌تواند آب جمع شده در پشت خود را نگه دارد، نتایج می‌تواند ویرانگر باشد. سدها دارای چنان حجم عظیمی از آب در پشت خود هستند که در صورت شکستن ناگهانی، نیروی مخرب آب مانند یک موج بزرگ جزر و مدی است. آب‌های رهاشده سدها می‌توانند ده‌ها کیلومتر را طی کنند، زمین را در [زیر چندین] متر از گل و لای و آوار بیوشانند و همه چیز و موجودی را که در مسیرشان قرار دارد، غرق کنند و درهم بشکنند.

اگرچه دانشمندان همیشه نمی‌توانند دقیقاً زمان وقوع سیل را پیش‌بینی کنند، اما اطلاعات زیادی دارند که سیل‌ها محتمل است یا ممکن است چه زمانی رخ دهند. برف عمیق، رودخانه‌های پوشیده از یخ و سدهای ضعیف همگی شرایط قوی برای سیل احتمالی هستند. امیدواریم این آگاهی در مورد چرایی وقوع سیل بتواند به ما کمک کند تا خسارات ناشی از آن را کاهش دهیم.

۱۵۶ ۴ کدام یک از موارد زیر به عنوان عوامل ایجاد سیل در متن گنجانده شده است؟

- (۱) خشکسالی  
 (۲) دریاچه‌های بزرگ  
 (۳) جاده‌های دارای ساخت ضعیف  
 (۴) برف در حال آب شدن



جک، ساکت و بی حرکت، سی دقیقه دراز کشیده بود، در حالی که یک غریبه بارها و بارها با سوزن های تیز به او ضربه می زد و باعث می شد خون به طور پیوسته از پایش بریزد. جک داشت خالکوبی می کرد. دوستش تونی اخیراً خالکوبی کرده بود و جک آن قدر تحت تأثیر شجاعت و خالکوبی تونی قرار گرفت که تصمیم گرفت او نیز آن را انجام دهد. انجام خالکوبی به دلیل داشتن دوستان و همسالان شما تنها یکی از دلایلی است که بسیاری از جوانان در آمریکای شمالی خالکوبی می کنند. امروزه فشار همسالان، نفوذ رسانه ها و ابراز [تمایلات] شخصی برخی از دلایل رایج داشتن خالکوبی هستند.

تمایل به عضویت در یک گروه، پذیرفته شدن توسط دوستان یا همسالان خود، می تواند تأثیر زیادی بر کاری که فرد انجام می دهد داشته باشد. گاهی اوقات، داشتن خالکوبی می تواند نشانه ای از تعلق شما به یک گروه خاص باشد. دسته های جنایتکاران اغلب از لباس ها و خالکوبی های خاص برای شناسایی گروه خاص خود استفاده می کنند. به عنوان مثال، در یک دسته جنایتکاران، همه اعضا ممکن است کاپشن های نظامی سبز بپوشند و «X» های بزرگی روی بازوهای خود خالکوبی کنند. تنها دسته های جنایتکاران نیستند که این نوع «یونیفرم» خاص را دارند. جوانان اغلب به گروه خاصی از دوستان تعلق دارند. برخی از این گروه ها فقط لباس های مارک دار می پوشند. برخی فقط لباس مشکی می پوشند. دیگران خالکوبی می کنند. وقتی دوستان یک فرد همه در حال انجام کاری هستند، مانند خالکوبی کردن، احتمال این که آن شخص نیز همان کار را انجام دهد و همچنین خالکوبی کند، بیشتر است.

رسانه ها یکی دیگر از تأثیرات بزرگ پشت محبوبیت خالکوبی در آمریکای شمالی هستند. طیف گسترده ای از تصاویر رسانه ای خالکوبی را نشان می دهد. خالکوبی ها را می توان در افرادی که در آگهی های بازرگانی فروش اتومبیل های گران قیمت ظاهر می شوند، مشاهده کرد. قهرمانان معروف ورزشی با خالکوبی در مجلات نشان داده می شوند. مدل های مد اغلب در مجلات و تلویزیون با لباس های برند دیده می شوند که بدنشان را با نقش های رنگارنگ و دقیق خالکوبی می کنند. این تصاویر رسانه ای، خالکوبی را به ایده های ثروت، موفقیت و موقعیت مرتبط می کند. در نتیجه، بسیاری از مردم به دلیل مد و ارزش موقعیت آن، تصمیم می گیرند تا خالکوبی کنند.

همیشه این تأثیر افراد دیگر یا رسانه ها نیست که باعث می شود فرد خالکوبی کند. بسیاری از مردم تصمیم می گیرند تا خالکوبی داشته باشند تا ماهیت هنری، اعتقادات یا احساسات خود را ابراز کنند - به عبارت دیگر، برای نشان دادن فردیت خود. یک نوازنده در یک گروه راک ممکن است خالکوبی گیتار را روی بازو انجام دهد. برخی از دوستداران محیط زیست ممکن است تصاویر حیوانات در حال انقراض را روی شانه های خود خالکوبی کنند. عاشقان ممکن است نام یک دیگر را روی قلب خود خالکوبی کنند. یک خالکوبی می تواند یک علامت عمومی برای نشان دادن آن چه در زندگی یک فرد مهم است باشد.

همان طور که می بینید، دلایل زیادی وجود دارد که چرا جوانان آمریکای شمالی خالکوبی می کنند. خالکوبی می تواند بخشی از لباس یک گروه باشد. می تواند نشانه ای از مد باشد. می تواند بیانگر فردیت باشد. تصمیم برای خالکوبی اغلب نتیجه تأثیر دوستان یا رسانه ها یا تمایل به ابراز وجود است. برای جک، این ترکیبی از هر سه بود.

بعد از سه یا چهار دقیقه، توده شروع به صاف شدن کرد. ادی جعبه سیگار را تصور می کرد که شکسته می شود و سیگارهای له شده زیر موکت پخش می شوند. به زودی، او قضاوت کرد که این توده تقریباً غیرقابل رؤیت شده است. وقتی وسایلش را تمیز کرد، شروع به جابجایی اثاثیه به اتاق نشیمن کرد و مراقب بود که یکی از میزهای قهوه خوری را روی جایی که توده بود قرار دهد. بالاخره کار تمام شد و از اتاق غذاخوری خانم ونبروگ را صدا کرد تا کارش را بررسی کند. ادی ابزارهایش را برداشت و شروع به رفتن به سمت ون کرد. خانم ونبروگ او را همراهی کرد. به نظر می رسید او کمی نگران چیزی است. او گفت: «مرد جوان، امروز زمانی که کار می کردی، به طور تصادفی نشانی از آرمنند ندیدی، نه؟ آرمنند مرغ عشق من است. پرنده زیبایی است، امروز صبح او را از قفس بیرون آوردم و او ناپدید شده است. او دوست دارد در خانه قدم بزند و خیلی [پرنده] خوبی است، معمولاً بعد از یک ساعت یا بیشتر به قفس خودش برمی گردد و درست داخل می شود. فقط [این که] امروز دیگر برنگشت. ادی در حالی که دستش را برای راه انداختن ون دراز کرد، گفت: «نه خانم، من او را جایی ندیده ام.» و پاکت سیگار مارلبورو را روی داشبورد، جایی که موقع ناهار گذاشته بود، دید. و توده روی موکت را به یاد آورد. و فهمید که توده چیست، و چکش زدن را به یاد آورد، و احساس کرد حالش دارد تا حدودی بد می شود.

۱۶۱ ۳ چرا ادی از نصاب موکت بودن متنفر بود؟

(۱) دستمزد [آن] خیلی کم بود.

(۲) تنها کار کردن را دوست نداشت.

(۳) هیچ کس از کار او قدردانی نمی کرد.

(۴) او نمی توانست سرکار سیگار بکشد.

۱۶۲ ۳ نظر ادی در مورد خانم ونبروگ چه بود؟

(۱) او خانمی مهربان [و] با ملاحظه بود.

(۲) او همیشه چیزهایی را گم می کرد.

(۳) او ثروتمند و خودخواه بود.

(۴) او سلیقه خوبی در مبلمان داشت.

۱۶۳ ۳ چرا ادی بیرون آوردن چیزی که باعث توده شده بود، موکت را برداشت؟

(۱) وقتی موکت را نصب کرد، نمی توانست آن را بالا بیاورد.

(۲) او نیازی به سیگارها نداشت، زیرا مقداری [سیگار] بیشتر در ون داشت.

(۳) برداشتن موکت و نصب مجدد آن خیلی زیاد طول می کشید.

(۴) او قصد داشت روز بعد برگردد و توده را برطرف کند.

۱۶۴ ۴ واقعاً چه چیزی زیر موکت بود؟

(۱) سیگار (۲) جعبه ابزار ادی

(۳) هیچی (۴) پرنده گم شده

۱۶۵ ۳ کلمه "rather" (تا حدودی، نسبتاً) در سطر آخر به بهترین

وجه می تواند با ..... جایگزین شود.

(۱) خیلی (۲) چنین

(۳) تا حدودی، نسبتاً؛ کاملاً (۴) خیلی زیاد



۱۶۶ ۲ طبق متن، همه موارد زیر رایج‌ترین دلایلی هستند که چرا یک

فرد خالکوبی می‌کند به جز ..... .

(۱) فشار از طرف همسالان خود

(۲) سالم (برای سلامتی مفید) است

(۳) تأثیر رسانه‌ها

(۴) راهی برای ابراز [تمایلات] شخصی

۱۶۷ ۴ ضمیر زیرخط‌دار "his" در سطر ۲ به ..... اشاره دارد.

(۱) غریبه (۲) دوست

(۳) سوزن (۴) جک

۱۶۸ ۱ بر اساس متن، برخی افراد خالکوبی می‌کنند، زیرا ..... .

(۱) فکر می‌کنند مد است

(۲) درد را دوست دارند

(۳) فکر می‌کنند در حمام شسته خواهد شد

(۴) مذهبی هستند

۱۶۹ ۴ دلیل این‌که جک می‌خواست خالکوبی کند ..... بود.

(۱) تأثیر دوستان (۲) تأثیر رسانه‌ها

(۳) تمایل به ابراز وجود (۴) تمام موارد فوق

۱۷۰ ۳ به جک سی دقیقه با سوزن ضربه‌هایی زده می‌شد چون‌که

..... .

(۱) او در حال طب سوزنی بود

(۲) گوش‌هایش را سوراخ می‌کردند

(۳) داشت خالکوبی می‌کرد

(۴) داشت حلقهٔ بینی می‌انداخت

سایت کنکور

Konkur.in